

# «عدالت در سایه سرکوب»؛

نگاهی به دادخواهی  
قربانیان زن، زندگی، آزادی

Abdorrahan Boroumand Center For Human Rights In Iran





# عدالت در سایه سرکوب: نگاهی به دادخواهی قربانیان زن، زندگی، آزادی

۵	چکیده
۷	مقدمه
۸	تحقیقات حکومتی و بین‌المللی
۱۱	بخش نخست: پرونده‌هایی که در آن ماموران مسلح حکومتی به جرم قتل محکوم شده‌اند
۱۲	۱- مهران سماک
۱۳	۲- محمد جامه بزرگ
۱۴	بخش دوم: پرونده‌های بی‌سرانجام
۱۴	۱- مهسا (ژینا) امینی
۱۵	۲- محمد آریان خوشگوار
۱۶	۳- کیان پیرفلک
۱۷	۴- یحیی رحیمی
۱۸	۵- محمد امینی
۱۹	۶- شیرین علیزاده
۲۰	۷- سیاوش محمودی
۲۱	۸- محمدجواد زاهدی ساروی
۲۳	۹- نیکا شاکرمی
۲۴	۱۰- جمعه خونین زاهدان
	بخش سوم: پرونده‌هایی که مسئولیت قتل متوجه نیروهای حکومتی شد اما هویت قاتل مشخص نشد
۲۷	۱- ابوالفضل آدینه زاده
۲۷	۲- فریدون محمودی
۲۹	۳- مهدی بیرنژاد
۳۰	۴- امید مویدی
۳۱	
۳۲	نتیجه‌گیری





## چکیده

**«کجای قانون شما نوشته است که مادر مقتول را به جرم دادخواهی خون فرزندش زندانی کنید و قاتل آزادانه در خیابان بچرخد. هرچند به قانونتان دیگر ما را امیدی نیست. وقتی جای شاکي و متهم عوض می‌شود. مادرم داغ‌دیده و دادخواه است. حق مادرم زندان نیست»**  
(خواهر محمدرضا زاهدی، معترض کشته شده در اعتراضات ۱۴۰۱ در واکنش به محکومیت مادرش به ۱۳ سال حبس)

کشور ایران از سال ۱۳۹۶ با موج‌های پی‌در پی اعتراضات روبه‌رو بوده است که همه آنها با استفاده از سرکوب مرگبار و غیرقانونی خاموش شده‌اند بدون اینکه کسی پاسخگو باشد. سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸ که در واکنش به افزایش قیمت سوخت رخ داد و از مرگبارترین اعتراضات دهه‌های اخیر بود، در پرده‌ای از ابهام قرار گرفت و توجه بین‌المللی اندکی دریافت کرد. با گذشت پنج سال از این اتفاق، تعداد کشته‌شدگان این اعتراضات همچنان نامشخص است و عدم پاسخگویی پیرامون آن ادامه دارد. سرکوب وحشیانه و غیرقانونی همواره جان هزاران نفر را که برای بیان نارضایتی خود جز آمدن به خیابان راهی ندارند می‌گیرد و آنها را نابینا و زخمی می‌کند. مقامات حکومتی، مسئولیت اعتراضات را به گردن «اغتشاشگران» و «دشمنان خارجی» می‌اندازند و هر ابراز عقیده مخالفی را به شیوه‌های مختلف ساکت می‌کنند. اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ نیز با همان الگوی سرکوب وحشیانه روبه‌رو شد؛ اما اینبار همبستگی جهانی، تلاش‌های بی‌سابقه‌ای را برای پاسخگو کردن رهبران ایران برانگیخت.



دختری در میان معترضان در کنار آتش می‌رقصد و روسری خود را در میان شعله‌های آتش می‌اندازد. ساری، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱. ویدیو توسط صدای آمریکا آپلود شده است

پاسخ حاکمیت به اعتراضات ۱۴۰۱ نیز چیزی جز خشونت و سرکوب نبود. هزاران نفر به طور غیرقانونی کشته، کور یا مجروح شدند و اقلیت‌های کرد و بلوچ به طور نامتناسب هدف قرار گرفتند. ده‌ها هزار نفر از جمله کودکان، وکلا و خبرنگاران بازداشت و شکنجه شده و تاکنون دست‌کم هفت نفر اعدام شدند.

این خشونت تا حدی بود که پس از انتشار گسترده تصاویر آن در فضای مجازی، خشم بین‌المللی را برانگیخت و منجر به تشکیل «کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد» (FFMI) شد. این هیئت مامور شد تا مرگ مهسا امینی و سرکوب خشونت‌آمیز دولت را بررسی کند.

مقامات ایرانی در مواجهه با فشار جهانی، خود نیز هیئت‌های تحقیقات برپا کردند و تحقیقاتی را آغاز کردند که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی نداشت. نتایج این تحقیقات منطبق با اغلب روایت‌های رسمی به طور هماهنگ «تروریست‌ها» یا «اغتشاش‌گران» را مسئول و عامل خشونت و کشتار معرفی کردند. همچنین شواهدی که خشونت دولتی را محرز می‌کرد به طور روشمند از بین برده شد.

در مقابل، یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب (FFMI) در اسفند ۱۴۰۲ با افشا کردن موارد قتل‌های غیرقانونی، شکنجه و خشونت جنسی صورت گرفته توسط ماموران حکومتی این اعمال را «جنایت علیه بشریت» نامید. این گزارش نشان داد که تحقیقات دولتی صورت گرفته در ایران نه بی‌طرفانه و نه کامل بوده و نتوانست پاسخی شفاف به خانواده قربانیان ارائه کند.

پاسخ حاکمیت به اعتراضات ۱۴۰۱ نیز چیزی جز خشونت و سرکوب نبود. هزاران نفر به طور غیرقانونی کشته، کور یا مجروح شدند و اقلیت‌های کرد و بلوچ به طور نامتناسب هدف قرار گرفتند. ده‌ها هزار نفر از جمله کودکان، وکلا و خبرنگاران بازداشت و شکنجه شده و تاکنون دست‌کم هفت نفر اعدام شدند.

این خشونت تا حدی بود که پس از انتشار گسترده تصاویر آن در فضای مجازی، خشم بین‌المللی را برانگیخت و منجر به تشکیل «کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد» (FFMI) شد. این هیئت مامور شد تا مرگ مهسا امینی و سرکوب خشونت‌آمیز دولت را بررسی کند.

مقامات ایرانی در مواجهه با فشار جهانی، خود نیز هیئت‌های تحقیقات برپا کردند و تحقیقاتی را آغاز کردند که با استانداردهای

بین‌المللی همخوانی نداشت. نتایج این تحقیقات منطبق با اغلب روایت‌های رسمی به طور هماهنگ «تروریست‌ها» یا «اغتشاش‌گران» را مسئول و عامل خشونت و کشتار معرفی کردند. همچنین شواهدی که خشونت دولتی را محرز می‌کرد به طور روشمند از بین برده شد.

در مقابل، یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب (FFMI) در اسفند ۱۴۰۲ با افشا کردن موارد قتل‌های غیرقانونی، شکنجه و خشونت جنسی صورت گرفته توسط ماموران حکومتی این اعمال را «جنایت علیه بشریت» نامید. این گزارش نشان داد که تحقیقات دولتی صورت گرفته در ایران نه بی‌طرفانه و نه کامل بوده و نتوانست پاسخی شفاف به خانواده قربانیان ارائه کند.

بنیاد عبدالرحمن برومند در این گزارش با بررسی پرونده ۱۶ قربانی که در ایران شکایت حقوقی را دنبال کرده‌اند، نشان داد که از میان آنها تنها در دو مورد به تعقیب و محکومیت عوامل دولتی منجر شده است. حتی در این دو مورد نیز شفافیت و نظارت مستقل را نداشتند. خانواده‌هایی که با دنبال کردن این شکایات به دنبال عدالت بودند، خود با تهدید، آزار و اذیت و پیگرد قانونی روبه‌رو شده و کلای آن‌ها نیز با خطر زندان یا محرومیت حرفه‌ای مواجه شدند.

دو سال پس از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، عدالت همچنان هدفی دور از دسترس است. بازماندگان و خانواده قربانیان اعتماد خود را به قوه قضائیه از دست داده‌اند و آن را بی‌اثر و پرخطر می‌دانند. چارچوب قانونی معیوب نظام حقوقی ایران با مصون نگه‌داشتن عاملان و آمران حکومتی، اعتراضات خیابانی را علیرغم خطرات آشکار و کشتار بیشتر آن به تنها راه تغییر تبدیل کرده است.

یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل (FFMI) مبین نیاز فوری و مبرم ایران به توجه و فشار بین‌المللی به حاکمان جمهوری اسلامی است. توصیه‌های این نهاد شامل اعمال اصل «صلاحیت جهانی» برای جرایم علیه بشریت در مورد مقامات جمهوری اسلامی، تسریع پناهندگی برای قربانیان و در نظر گرفتن برنامه‌هایی برای حمایت روانی از آنهاست. این کمیته همچنین بر نیاز به اصلاحات ساختاری در دستگاه قضائی ایران برای اطمینان از پاسخگویی و حمایت از حقوق بشر تأکید دارد.

جامعه بین‌المللی باید فشار خود را بر ایران حفظ کند و خواستار تحقق عدالت، اصلاحات ساختاری و مشارکت سیاسی در داخل کشور شود و تا آن زمان بر لزوم همکاری ایران با کمیته حقیقت‌یاب به منظور تحقق عدالت و جبران خسارت در خارج از کشور تأکید کند. برای شکسته شدن چرخه خشونت، جامعه بین‌المللی باید پیامی قاطع به مقامات ایرانی ارسال کند. پیامی مبنی بر اینکه: مصونیت در برابر سرکوب معترضان دیگر تحمل نخواهد شد.

## روش‌شناسی

پژوهشگران بنیاد عبدالرحمن برومند، حدفاصل پاییز ۱۴۰۱ تا آبان ۱۴۰۳، بیش از ۳۰۰ مورد مصاحبه در رابطه با رفتار حکومت جمهوری اسلامی با معترضان در جریان اعتراضات زن، زندگی، آزادی ترتیب داده‌اند. منابع آگاه داخل و خارج از ایران به شکل حضوری، تلفنی یا از طریق برنامه‌های مختلف پیام‌رسان با بنیاد عبدالرحمن برومند مصاحبه کرده‌اند. با برخی از این منابع به منظور به روز رسانی اطلاعات چندین بار مصاحبه شده است. به خصوص، هفت مورد از مواردی که در این گزارش به جزییات شکایت حقوقی آنها پرداخته شده است. افزون بر این مصاحبه‌ها، از اطلاعات موجود در اسناد قضایی یا دیگر اسناد رسمی (در صورت در دسترس بودن) و همچنین سایر منابع باز مثل گزارش‌های منتشر شده حقوق بشری و اخبار رسانه‌های داخلی و خارجی نیز بهره گرفته شده است. پژوهشگران، هدف از مصاحبه، ماهیت داوطلبانه بودن آن و همچنین نحوه استفاده از داده‌ها را برای مصاحبه‌شوندگان توضیح داده و رضایت شفاهی آن‌ها را کسب کرده‌اند. هیچ‌گونه پاداشی برای این مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شوندگان داده نشده است. در این گزارش، به منظور جلوگیری از ایجاد مشکل در مسیر پرونده‌های قربانیان و همچنین تأمین امنیت مصاحبه‌شوندگان، اطلاعات هر پرونده بدون اشاره به مصاحبه‌های انجام شده یا آوردن نقل قول مستقیم از مصاحبه‌شونده‌ها ارائه شده است.

## مقدمه

کشور ایران از سال ۱۳۹۶ با موج‌های پی‌درپی اعتراضات روبه‌رو بوده است که همه آنها با استفاده از نیروی‌های سرکوب مرگبار، غیرقانونی و مصون از مجازات خاموش شده‌اند. سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸ که در واکنش به افزایش قیمت سوخت رخ داد و از مرگبارترین اعتراضات دهه‌های اخیر بود، در پرده‌ای از ابهام قرار گرفت و توجه بین‌المللی اندکی دریافت کرد. با گذشت پنج سال از این اتفاق، تعداد کشته‌شدگان این اعتراضات همچنان نامشخص است و عدم پاسخگویی پیرامون آن ادامه دارد. سرکوب وحشیانه و غیرقانونی همواره جان هزاران نفر را می‌گیرد و آن‌ها را نابینا و زخمی می‌کند و افراد جایی برای بیان نارضایتی‌های خود جز آمدن به خیابان پیدا نمی‌کنند. مقامات حکومتی، مسئولیت اعتراضات را تنها به گردن «اغتشاشگران» و «دشمنان خارجی» می‌اندازند<sup>۲</sup> و هر ابراز عقیده مخالفی را به شیوه‌های مختلف ساکت می‌کنند. اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ نیز با همان الگوی سرکوب وحشیانه روبه‌رو شد؛ اما اینبار همبستگی جهانی، تلاش‌های بی‌سابقه‌ای را برای پاسخگو کردن رهبران ایران برانگیخت.



دادستان کل کشور، محمدجعفر منتظری، درباره تعداد کشته‌شدگان یا بازداشت‌شدگان در اعتراضات آبان ۱۳۹۸:

خوشبختانه افراد خارج از کشور به اطلاعات و آمار دسترسی ندارند. به همین دلیل، آمارهای مختلفی ارائه می‌دهند که هیچ‌کدام قابل استناد نیست.

خبرگزاری شهرآرا، ۹ آذر ۱۳۹۸.

در بازه زمانی شهریور و آذر ۱۴۰۱، ایران موج جدیدی از اعتراضات سراسری را تجربه کرد؛ اعتراضاتی گسترده‌تر، طولانی‌تر و تندتر که اقشار مختلف جامعه در آن حضور داشتند. این اعتراضات حدود ۱۶۰ شهر و تعداد زیادی دانشگاه و مدرسه را در بر گرفت. این خیزش بی‌سابقه پس از مرگ مهسا (ژینا) امینی، زن جوان کرد، که به اتهام «بدحجابی» توسط گشت ارشاد در تهران دستگیر شد، آغاز شد. اعتراضی که با سوزاندن روسری‌ها به دست زنان و دختران آغاز شد، خیلی زود به جنبشی وسیع علیه رژیم مذهبی تبدیل شد.

حکومت ایران بار دیگر با استفاده از نیروی‌های سرکوب خود، واکنش تندی نشان داد و هزاران نفر را مجروح و نابینا کرد و کشت، که بسیاری از آنها شهروندان کرد و بلوچ بودند. ده‌ها هزار معترض، از جمله کودکان، وکلا، روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های تاثیرگذار در سراسر کشور دستگیر شدند. ماموران حکومتی معترضان را تحقیر و شکنجه کردند و مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار دادند.<sup>۳</sup> بسیاری از وکلایی که پرونده معترضان را پذیرفتند نیز بازداشت، زندانی و به اشکال مختلف مجازات شدند.<sup>۴</sup>

بر اساس تحقیقات بنیاد حقوق بشری عبدالرحمن برومند، تاکنون دست‌کم هفت معترض اعدام شده‌اند<sup>۵</sup> و تعداد اعدام‌ها در بازه زمانی ۹ مهر ۱۴۰۱ تا ۲۵ آبان ۱۴۰۳ به عدد ۱۷۱۴ نفر رسیده است.

انتشار تصاویری از خشونت‌های بی‌رحمانه حاکمیت در سرکوب مردم، اینبار خشم داخلی و واکنش بین‌المللی را برانگیخت و برای نخستین بار، فشار عمومی خارج از ایران منجر به اقدام‌هایی در جهت پاسخگو کردن مقامات جمهوری اسلامی شد؛ اقدام‌هایی مثل تشکیل کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل که به منظور بررسی مرگ مهسا امینی و پیامدهای آن که در ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ تشکیل شد و همچنین اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون حقوق زنان.<sup>۶</sup>

**پس از پایان اعتراضات، مسئولین حکومتی همچون گذشته برای حفظ مصونیت آمران و عاملان سرکوب از مجازات، به تهدید و مجازات شهروندان، خانواده‌های قربانیان و معترضان زخمی پرداختند تا آن‌ها را به سکوت وادارند. رصد مداوم این موضوعات از سوی افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی سبب شد جمهوری اسلامی به مدت چندین ماه گشت‌های ارشاد را از خیابان‌ها جمع‌آوری کند و کارهایی هرچند نمایشی مانند ایجاد نهادی برای حقیقت‌یابی و بررسی مرگ مهسا امینی و اعتراضات انجام دهد. در سایه همین توجهات و برخلاف سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، خانواده‌های قربانیان، شکایت کردند و رسیدگی به نحوه مرگ و معرفی عاملان قتل عزیزانشان را خواستار شدند.**

۱ گزارش گزارشگر ویژه درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، جاوید رحمان، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲ (۲۳ دی ۱۴۰۰). <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/g22/005/44/pdf/g2200544.pdf>

۲ خبرگزاری ایرنا، ۲۹ خرداد ۱۴۰۲، <https://www.irna.ir/news/85145444>

۳ گزارش تقصیلی هیئت مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل، ۱۹ مارس ۲۰۲۴ (۲۹ اسفند ۱۴۰۲). <https://www.iranrights.org/fa/library/document/4144>

۴ خبرنگار بنیاد برومند: «ایران باید در قبال حقوق اساسی وکلا پاسخگو باشد»، ۲۷ فوریه ۲۰۲۳. <https://www.iranrights.org/newsletter/issue/130>

۵ گزارش بنیاد برومند: «جهان باید سرکوب مخالفان در ایران را به چالش بکشد»، ۲۲ ژوئن ۲۰۲۳. [https://www.iranrights.org/attachments/library/doc\\_804.pdf](https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_804.pdf): همچنین مراجعه کنید به پرونده‌های محسن

شکاری <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story-8734/mohsen-shकारी> و محمد مهدی کریمی، <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story-8588/mohammad-mehdi-karami>

۶ اخبار سازمان ملل، «ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل حذف شد»، ۱۴ دسامبر ۲۰۲۲ (۲۳ آذر ۱۴۰۱). <https://news.un.org/en/story/2022/12/1131722>



بنیاد حقوق بشر عبدالرحمن برومند دو سال پس از اعتراضات، ۱۶ پرونده شکایت و نتایج آن‌ها را بررسی کرده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد حاکمیت در بیشتر موارد با خودداری از اقدامات لازم برای شناسایی ماموران و نیروهای حاضر در زمان و مکان کشته شدن معترضان، روند تحقیقات را مختل کرده یا تلاش کرده است با تطمیع یا تهدید خانواده‌ها، آن‌ها را از ادامه شکایت منصرف کند. خانواده‌های دادخواه در مسیر پیگیری شکایات قضایی خود با چالش‌های جدی‌ای مواجه‌اند که ناشی از مستقل نبودن دستگاه قضایی و شفافیت جمهوری اسلامی است.

## تحقیقات حکومتی و بین‌المللی

پس از مرگ مهسا (ژینا) امینی و خشم عمومی که نسبت به آن شکل گرفت، در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی، کمیته‌ای را برای بررسی مرگ خانم امینی تشکیل داد. همچنین در واکنش به سرکوب خونین در ایران، شورای حقوق بشر سازمان ملل در تاریخ ۳ آذر ۱۴۰۱ با اکثریت قاطع آرا خواستار تشکیل کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران شد تا درباره وقایع منتهی به مرگ مهسا (ژینا) امینی و سرکوب اعتراضات تحقیق کند.

چند ماه بعد، در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، نیز دستور تشکیل «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» صادر کرد. ریاست این کمیته ویژه نیز بر عهده حسین مظفر، از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، گذاشته شد. کاظم غریب‌آبادی، دبیر ستاد حقوق بشر اسلامی، سکینه سادات پاد، دستیار رئیس‌جمهور و مسئول پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی، زهره الهیان، رئیس کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی که پیشتر با تایید شورای نگهبان وارد مجلس شورای اسلامی شده بود و اعتراضات مردم را «نقشه کلان برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی» عنوان کرده بود<sup>۷</sup> و حسن صفادوست، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، اعضای این کمیته ویژه بودند.<sup>۸</sup>



دیدار رئیس‌جمهور وقت ابراهیم رئیسی، با کمیته ویژه، پورتال ریاست جمهوری ۲۳ مرداد ۱۴۰۲

ابراهیم رئیسی این کمیته را موظف کرد تا با تحقیقات خود «به پیگیری‌های حقوقی در عرصه‌های خارجی و بین‌المللی و ارائه مستندات متقن و دقیق برای طرح در مجامع حقوق بشری و بین‌المللی، ارائه پیشنهاد جهت رفع نقایص یا خلأهای قانونی و یا ارتقای قوانین و مقررات ناظر بر آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و ارائه روایت صحیح و منصفانه از حوادث و ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ مبتنی بر واقعیت‌ها، مستندات و شهادت شهود بدون هرگونه جانبداری و با هدف ممانعت از تکرار مجدد آن با استفاده از ظرفیت اساتید، اندیشمندان و نخبگان کشور» کمک کند و به طور منظم گزارشات خود را برای او ارسال کند.



راست به چپ: زهره الهیان، حسین مظفر سکینه سادات پاد، کاظم غریب‌آبادی

کمیته‌ای که کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی برای بررسی علت مرگ خانم امینی تشکیل داد، در تاریخ ۲۴ مهر ۱۴۰۱ نتیجه تحقیقات خود را در صحن علنی مجلس ارائه کرد. بنا به تحقیقات این کمیته «هیچگونه ضرب و جرح در مواجهه، انتقال و استقرار» خانم امینی در پلیس امنیت اتفاق نیفتاده است. این کمیته ضمن ارائه گزارش، درخواست کرد با کسانی که پیش از روشن شدن ماجرا اظهار نظر عجولانه کردند «برخورد قضایی» صورت بگیرد<sup>۹</sup>. همچنین سازمان پزشکی قانونی با انتشار بیانیه‌ای علت مرگ خانم امینی را عوارض عمل جراحی‌ای که او در هشت سالگی انجام داده بود، اعلام کرد<sup>۱۰</sup>.

تحقیقات کمیته ویژه دولت رئیسی در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ گزارشی ۲۷۹ صفحه‌ای به رئیس‌جمهور ارائه کرد. البته این گزارش در دسترس عموم قرار نگرفت اما خلاصه‌ای از تحقیقات کمیته همان روز در بیانیه‌ای منتشر شد. در این بیانیه کمیته ویژه تاکید کرد نتیجه تحقیقاتش که «یافته‌های سازمان پزشکی قانونی مبنی بر اینکه فوت خانم امینی ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده را تایید می‌نماید.»

<sup>۷</sup> مصاحبه زهره الهیان با خبرگزاری فارس، ۱۴ آذر ۱۴۰۱. <https://farsnews.ir/politics/1670226157000041450>

<sup>۸</sup> پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲. <https://president.ir/fa/143833>

<sup>۹</sup> خبرگزاری تسنیم، ۲۴ مهر ۱۴۰۱. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/07/24/2788715>

<sup>۱۰</sup> خبرگزاری ایرنا، ۱۵ مهر ۱۴۰۱. <https://www.irna.ir/news/84905819>



بنا بر گزارش کمیته ویژه: ۲۰۲ نفر در جریان «اغتشاشات» کشته شدند، اما هیچ‌گونه مسئولیتی را متوجه نیروهای امنیتی یا دیگر عوامل دولتی نکرد. این کمیته تلفات را به شکل زیر طبقه‌بندی کرده است:

■ «۹۰ نفر از جانب‌اختگان افرادی بودند که ضمن حمل و استفاده از سلاح (سرد یا گرم) در اقدام تروریستی، درگیری و حمله به مقرهای نظامی و انتظامی، زیرساخت‌های حیاتی و یا افراد مجری قانون کشته شده‌اند.

■ ۱۱۲ نفر از جانب‌اختگان، رهگذرانی بودند که در جریان ناآرامی‌ها توسط اغتشاشگران و به وسیله سلاح‌های غیرمجازی که توسط سازمان نیروهای مجری قانون استفاده نمی‌شوند و یا با هدف کشته‌سازی عامدانه و آگاهانه، برای فضا سازی منفی علیه نظام توسط تروریست‌های مسلح جان خود را از دست داده‌اند.

در جریان اغتشاشات، ۷۹ نفر از نیروهای مجری قانون و مردم توسط خشونت‌طلبان یا با اقدامات تروریستی به شهادت رسیدند که به شرح زیر می‌باشد:

■ ۲۵ نفر از جانب‌اختگان مربوط به حوادث تروریستی شیراز (۱۳ نفر) و ایذه (۷ نفر) و سایر شهدای مردمی (۵ نفر) می‌باشند که در اثر حملات تروریستی یا به دست اغتشاشگران به شهادت رسیده‌اند.

■ ۵۴ نفر از نیروهای مجری قانون نیز در نتیجه خشونت گسترده اغتشاشگران و تروریست‌ها به شهادت رسیدند.»

کمیته ویژه تاکید کرد جمهوری اسلامی ایران در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ اقدامات گسترده‌ای را در راستای مسئولیت‌پذیری و جبران خسارت انجام داده است. رسیدگی فوری به مرگ خانم امینی «برای روشن نمودن تمامی ابعاد واقعه و کشف حقیقت» یکی از اقدامات مورد نظر کمیته است.<sup>۱۱</sup>



**IRAN  
FACT-FINDING  
MISSION**

UNITED NATIONS  
HUMAN RIGHTS COUNCIL

اعضای کمیته حقیقت‌یاب، از راست به چپ:  
ویویانا کریستیچویچ، وکیل و فعال حقوق بشر از آرژانتین  
سارا حسین، وکیل دادگاه عالی از بنگلادش  
شاهین سردار علی، استاد حقوق از پاکستان

کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل، متشکل از سه زن حقوقدان خبره و تعدادی متخصص در زمینه (حقوق زنان، حقوق کودکان و محقق و مترجم) در ۱۳ بهمن ۱۴۰۲ نخستین گزارش رسمی خود را در مقر سازمان ملل در ژنو ارائه کردند. نتیجه گزارش این کمیته در هر دو مورد نحوه مرگ مهسا امینی و کشتار معترضان و نحوه خشونت به کار رفته در سرکوب اعتراضات زن، زندگی، آزادی با تحقیقات دولتی ایران کاملاً مغایر بود. این تحقیقات نشان داد از شروع اعتراضات تا شهریور ۱۴۰۲، اعتراضات در ۲۶ استان ایران جریان داشته است و دست‌کم ۵۵۱ نفر از جمله ۶۸ کودک کشته شده‌اند. ۶ مهر ۱۴۰۱ مرگبارترین روز اعتراضات نام گرفت. در این روز تنها در شهر زاهدان استان سیستان و بلوچستان دست‌کم ۱۰۴ نفر از معترضان به دست ماموران امنیتی به رگبار گلوله بسته شدند و جان باختند.<sup>۱۲</sup>

کمیته حقیقت‌یاب بر اساس شواهد و یافته‌های ثابت‌شده در رابطه با پرونده خانم امینی، نتیجه گرفت «ضربه و آسیب‌دیدگی بر بدن خانم امینی در زمان بازداشت در پلیس امنیت اخلاقی» محرز است و این خشونت فیزیکی باعث مرگ او شده است:

«بر اساس شواهد و الگوهای خشونت پلیس امنیت اخلاقی در اعمال حجاب اجباری برای زنان، کمیته متقاعد است که خانم امینی مورد خشونت فیزیکی که منجر به مرگ او شده قرار گرفته است. بر این اساس، حکومت مسئول مرگ غیرقانونی اوست.»

همچنین این کمیته نه‌تنها الگوی به کارگیری سلاح‌های گرم، از جمله تفنگ‌های تهاجمی و تفنگ‌های ساچمه‌پران توسط نیروهای امنیتی را عامل مرگ اغلب کشته‌های اعتراضات دانست، بلکه بسیاری از اقدامات سرکوبگرانه حاکمیت ایران مانند الگوی صدمات چشمی معترضان و عابران، الگوی خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت در مکان‌های بازداشت، اخذ اعترافات اجباری، ارباب، تحقیر، اجبار و ... را مصداق «جنایت علیه بشریت» معرفی کرد.<sup>۱۳</sup>

۱۱ پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۲۷ اسفند ۱۴۰۲. <https://dolat.ir/detail/442106>

۱۲ گزارش تفصیلی ۵۵۰ صفحه‌ای از یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب بین المللی مستقل در مورد جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۶۲، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲. <https://www.iranrights.org/fa/library/document/4144>

۱۳ گزارش تفصیلی ۵۵۰ صفحه‌ای از یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب بین المللی مستقل در مورد جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۶۲، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲. <https://www.iranrights.org/fa/library/document/4144>

حکومت ایران نه تنها با کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل همکاری نکرد بلکه به آنها اجازه ورود به کشور برای انجام تحقیقات میدانی را نداد و در واکنش به گزارش این کمیته، با کلی گویی اعتبار این گزارش را زیر سوال برد.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل را مردود دانست و اظهار داشت:

«گزارش به اصطلاح هیئت حقیقت‌یاب فاقد اعتبار قانونی و جایگاه حقوقی است و بنابراین از سوی جمهوری اسلامی ایران نامعتبر و مردود شناخته می‌شود. این هیئت به اصطلاح حقیقت‌یاب که توسط کشورهای منتخب غربی تشکیل و با پول آنها تأمین مالی شده است، به انتشار مجموعه‌ای هماهنگ از تحریف‌ها و دروغ‌ها متوسل شده است. این هیئت نه تنها قادر به افشای حقیقت نبوده، بلکه عمداً خود حقایق را وارونه کرده است».<sup>۱۴</sup>

همچنین معاونت امور بین‌الملل و ستاد حقوق بشر قوه قضائیه متنی با عنوان «ایرادات محتوایی و تناقضات» این گزارش منتشر کرد و آن را به علت استفاده نکردن از «منابع دست اول و متقن و قابل راستی آزمایی» زیر سوال برد و به رعایت نکردن اصل «لزوم دستیابی به حقایق از طریق اطلاعات عینی و قابل اطمینان برآمده از منابع معتبر» متهم کرد.<sup>۱۵</sup>



دکتر کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیرکل شورای عالی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ژنو، ۲۸ اسفند ۱۴۰۲. پورتال وزارت خارجه ژنو

علاوه بر این، دفتر امور بین‌الملل و ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران در بیانیه‌ای با عنوان «اشتباهات و تناقضات اساسی» این گزارش را مورد انتقاد قرار دادند و تأکید کردند که این گزارش از «منابع دست اول، قابل اعتماد و قابل تأیید» استفاده نکرده است. همچنین، گزارش را به دلیل رعایت نکردن اصل «دسترسی به حقیقت از طریق اطلاعات عینی و قابل اعتماد از منابع معتبر» مورد انتقاد قرار دادند.

سارا حسین، رئیس کمیته حقیقت‌یاب، در پنجاه و پنجمین جلسه شورای حقوق بشر، در گزارش خود به تاریخ ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ درباره اسناد و شواهد و مدارک یافته شده، توضیح داد:

«از ابتدا با حسن نیت در صدد مشارکت و تعامل با دولت ایران بودیم. هرچند متأسفانه دولت ایران نه همکاری نمود، نه اجازه دسترسی به کشور داد، نه تا تاریخ بهمن ۱۴۰۲ پاسخی به ۲۱ نامه ارسال شده حاکی جزئیات استعلام این کمیته ارائه نمود. در همین زمان، دولت ایران به اعمال محدودیت‌های گسترده بر ارتباطات آنلاین، از جمله دست زدن به اقداماتی چون نظارت تجسسی، آزار و اذیت و ارباب قربانیان و خانواده‌هایشان ادامه داد که منجر به منصرف شدن مردم از تعامل با این کمیته گشت. کمیته، خود در پیروی از اصل آسیب نرساندن، با در نظر گرفتن مخاطره واقعی اقدامات تلافی‌جویانه بالقوه، علیه آنهایی که در ایران آزادانه و به طور علنی نظرات خود را بیان می‌کنند از رویکردی فوق‌العاده محتاطانه در امر تحقیقات خود استفاده نمود»

خانم حسین در ادامه گفت:

«با وجود این چالش‌ها، سرانجام کمیته موفق شد ۲۷ هزار سند و مدرک و ۱۳۳ مصاحبه مفصل و عمیق با قربانیان و شاهدان، از جمله ۴۸ زن، ۸۵ مرد، هم داخل و هم در خارج از ایران را گردآوری، حفظ و نگهداری کند. کمیته همچنین از مدارک و شواهد و تحلیل‌های کارشناسان امور دیجیتال، پزشکی قانونی، قانون بین‌المللی و قانون داخلی بهره‌مند شد. کمیته همچنین با دقت تمام به بررسی مدارک رسمی دولت ایران، از جمله بیانیه‌های رسمی عمومی مقامات، همراه با ۴۱ گزارش متعلق به ستاد حقوق بشر ایران (دریافت شده از سایر نهادهای سازمان ملل) و مبادله با «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱» پرداخت.»

۱۴ وبسایت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در ژنو، «پاسخ جمهوری اسلامی ایران به گزارش کمیته حقیقت‌یاب»، ۱۹ مارس ۲۰۲۴.

<https://geneva.mfa.ir/portal/newsview/741677/The-Statement-by-HE-Dr-Kazem-Gharibabadi-Before-the-United-Nations-Human-Rights-Council>

۱۵ ایسنا، «پاسخ جمهوری اسلامی ایران به گزارش هیئت «حقیقت‌یاب»، ۲۲ اسفند ۱۴۰۲. <https://www.isna.ir/news/1402122215680>

بدین ترتیب، «یافته‌های کمیته متکی بر پایه روش‌شناختی دقیق و استواری است که پشتوانه و تاییدکننده نتایج گزارش این کمیته و گزارش اتاق کنفرانس که امروز صادر شده است، می‌باشند.»

خانم سارا حسین در پایان سخنانش بر اهمیت پاسخگو کردن عاملان و مرتکبین نقض حقوق بشر برای شکستن چرخه معافیت از مجازات تاکید کرد. او همچنین از دولت ایران خواست تا احکام اعدام معترضان را متوقف و معترضان بازداشت شده را به سرعت آزاد کند و از آزار و اذیت قضایی قربانیان و خانواده‌های آنان دست بردارد و دسترسی آنها را به جبران خسارت، حقیقت، عدالت و غرامت تسهیل کند.<sup>۱۶</sup>

جمهوری اسلامی به خواسته‌ها و پیشنهادات هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی (FFMI) توجهی نشان نداد. با این حال، برخی از خانواده‌های معترضان کشته‌شده توانستند شکایت‌هایی را برای مطالبه حقوق عزیزانشان ثبت کنند، اما این امر لزوماً به انجام تحقیقات کامل و پاسخگو کردن عاملان منجر نشد.

## بررسی موارد دادخواهی حقوقی در ایران

وجود فضای خفقان و آزار و اذیت خانواده‌ها و قربانیان که در اظهارات رئیس کمیته حقیقت‌یاب نیز به آن اشاره شد، تاثیر بسزایی بر تضعیف اراده آنها در راستای دادخواهی مرگ عزیزانشان، گذاشته و باعث بی‌اعتمادی عمومی نسبت به استقلال قوه قضاییه و امکان‌پذیر نبودن دادخواهی شده است. به همین دلیل بسیاری از خانواده‌های قربانیان از شکایت رسمی صرف نظر کردند، با وجود این برخی از خانواده‌ها مسیر دشوار و پرچالش دادخواهی قضایی را انتخاب کردند.

بنیاد عبدالرحمن برومند در جریان تحقیقات خود بر ۱۶ پرونده، به «مدارک رسمی» دست یافته است که بر مبنای آنها در چند شهر ایران چهار قاضی در احکام صادره خود به روشنی به کشته شدن برخی از قربانیان توسط «نیروهای نظامی» اذعان کرده و دست‌کم در دو پرونده، دو نیروی رسمی نظامی به جرم قتل عمد به «قصاص» محکوم شده‌اند. مواردی که خود برای زیر سوال بردن نتیجه کمیته حقیقت‌یاب دولت رئیسی که مرگ هیچ یک از معترضان را وابسته به دخالت نیروهای مسلح حکومتی نمی‌دانست، کفایت می‌کند.

در ادامه این شانزده پرونده دادخواهی را در سه بخش «پرونده‌هایی که در آن ماموران مسلح حکومتی به قتل معترضان محکوم شده‌اند»، «پرونده‌های بی‌سرانجام» و «پرونده‌هایی که مامور بودن ضارب بدون احراز هویت تایید شده است» مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

### بخش نخست:

## پرونده‌هایی که در آن ماموران مسلح حکومتی به جرم قتل محکوم شده‌اند.

تنها در ۲ مورد، شکایت خانواده‌های دادخواه با توسل به شواهد انکار نشدنی، منجر به محکومیت نیروهای مسلح وابسته حکومت شد.

۱۶ بیانیه سارا حسین، رئیس هیئت مستقل حقیقت‌یاب بین‌المللی درباره جمهوری اسلامی ایران، ۲۱ مارس ۲۰۲۴ (۲۸ اسفند ۱۴۰۳).  
<https://www.ohchr.org/sites/default/files/2024-03/20240318-Sara-Hossain-statement-to-55thHRC-Persian.pdf>



مهران سماک

## ۱ - مهران سماک

مهران سماک ۲۷ ساله بود که در تاریخ ۸ آذر ۱۴۰۱ در شهر بندرانزلی به ضرب گلوله تفنگ ساچمه‌ای نیروهای امنیتی کشته شد. شکایت خانواده او یکی از موارد نادر دادخواهی است که منجر به بازداشت و محکومیت یکی از اعضای نیروهای مسلح شد.

در روز قتل آقای سماک، بسیاری از شهروندان پس از شکست تیم فوتبال ایران مقابل تیم فوتبال آمریکا در مسابقات جام جهانی فوتبال، در شهرهای مختلف کشور به خیابان‌ها آمدند و شادی کردند. عدم حمایت فوتبالیست‌ها از اعتراضات سراسری و ملاقات آنها با رئیس جمهور وقت، ابراهیم رئیسی، شکست تیم ملی ایران را به بهانه‌ای برای ابراز مخالفت با حکومت تبدیل کرد. مهران سماک یکی از این شهروندان معترض بود. او در حالی که همراه نامزدش پشت فرمان اتومبیلش در یکی از خیابان‌های بندرانزلی بود، شروع به بوق زدن کرد، این حرکت او از سوی ماموران امنیتی مصداق شادی اعتراضی تلقی شد و هدف شلیک مستقیم گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و کشته شد.

روزنامه شرق در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ از شکایت پدر مهران سماک در دادگاه انقلاب گیلان در رابطه با مرگ فرزندش خبر داد. بر اساس این گزارش پس از تحقیقات قضایی، سید جعفر جوانمردی، فرمانده انتظامی بندرانزلی از سمت خود برکنار و به اتهام «رعایت نکردن قانون نحوه به‌کارگیری سلاح منجر به قتل عمد» بازداشت شد.

سید مجید احمدی، وکیل پرونده مهران سماک، به روزنامه شرق گفت: دادگاه نظامی یک گیلان در ۲۵ دی ۱۴۰۲ برای آقای جوانمردی به اتهام «قتل عمد» حکم قصاص (اعدام) صادر کرده است.<sup>۱۷</sup> آقای جوانمردی به این حکم اعتراض کرد و شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور ضمن نقض حکم، پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض در دادگاه نظامی یک قزوین ارسال کرد. در ۳ بهمن ماه ۱۴۰۲، آقای حمید سماک، پدر مهران، در واکنش به نقض این حکم توسط دیوان عالی کشور با انتشار عکس پیکر فرزندش که صورتش غرق در خون است در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «چطور رای قصاص را می‌خواهید برگردانید؟ دیوان عالی کشور حکم را با فشار مقامات می‌خواهد برگرداند، اما نمی‌گذارم خونت پایمال شود».<sup>۱۸</sup> ۸ فروردین ۱۴۰۳، روزنامه شرق گزارش کرد دادگاه قزوین پس از رسیدگی مجدد، رای دادگاه نظامی گیلان را عیناً تایید کرده و حکم به قصاص آقای جوانمردی داده است.<sup>۱۹</sup> اما مسعود ستایشی، سخنگوی وقت قوه قضاییه، ۲۱ فروردین ۱۴۰۳ در رابطه با این حکم تاکید کرد: «حکم قطعی نیست و چنانچه متهم اعتراض کند پرونده برای فرجام خواهی به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد».<sup>۲۰</sup> او همچنین گفت: «تمام اهتمام قوه قضاییه بر تجلی و صلح و سازش» استوار است.<sup>۲۰</sup>

خبرگزاری فارس، خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران، نیز در واکنش به حکم قاتل آقای سماک این حکم را «سختگیرانه» دانست و نوشت: «این موضوع منجر به تضعیف پلیس خواهد شد».<sup>۲۱</sup>

پرونده آقای سماک همچنان در حال بررسی است.

۱۷ روزنامه شرق، ۲۶ بهمن ۱۴۰۱. <https://www.sharghdaily.com>  
 ۱۸ بی‌بی‌سی فارسی، ۳ بهمن ۱۴۰۲. [https://www.instagram.com/bbcpersian/p/C2ch45NiZpC/?img\\_index=1](https://www.instagram.com/bbcpersian/p/C2ch45NiZpC/?img_index=1)  
 ۱۹ روزنامه شرق، ۸ فروردین ۱۴۰۳. <https://www.sharghdaily.com>  
 ۲۰ روزنامه شرق، ۲۱ فروردین ۱۴۰۳. <https://www.sharghdaily.com>  
 ۲۱ روزنامه شرق، ۱۳ فروردین ۱۴۰۳. <https://www.sharghdaily.com>





محمد جامه بزرگ

## ۲- محمد جامه بزرگ

آقای محمد جامه بزرگ، ۵۹ ساله بود که در تاریخ ۲ مهر ۱۴۰۱ در پشت بام منزلش توسط ماموران امنیتی سپاه پاسداران به ضرب گلوله تفنگ ساچمه‌ای از فاصله یک متری کشته شد. در یک روند قضایی دیگر «یک مامور رسمی سپاه پاسداران» به جرم قتل عمد آقای جامه بزرگ به «قصاص» محکوم شد. خانواده دادخواه: مطالبه ما دادخواهی است، دنبال ریختن خون نیستیم.

ساعت ۳ بامداد، ماموران امنیتی بدون حکم قضایی برای بازداشت آقای جامه بزرگ به منزل او یورش بردند اما او به این دلیل که ماموران حکم قضایی بازداشت را به او نشان ندادند، حاضر به تسلیم خود نشد. در نتیجه آقای جامه بزرگ به ضرب گلوله تفنگ ساچمه‌ای ماموران امنیتی از فاصله یک متری کشته شد.

روزنامه شرق در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ از شکایت خانواده آقای جامه بزرگ در رابطه با قتل پدرشان در دادگستری ملارد خبر داد. به گفته پیام درفشان، وکیل خانواده، دادستان ملارد پرونده را برای رسیدگی به دادگاه نظامی تهران واگذار کرد و آقای رفیعی، بازپرس شعبه اول دادسرای نظامی غرب تهران، با پیگیری پرونده قاتل را شناسایی و بازداشت کرد. هویت قاتل نامشخص است و در پرونده با عنوان «سر تیم اول» از او یاد شده اما از گزارشات مشخص شده ضارب، کارمند رسمی یک ارگان نظامی (سپاه پاسداران) است و موضوع قابل توجه سوء پیشینه قاتل است. در یکی از پرونده‌هایی که همچنان در شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب ملارد در جریان است، قاتل به «تیراندازی، سرقت احشام و حمل سلاح گرم» متهم است. همچنین او پیشتر نیز در پرونده‌ای دیگر به «حمل و نگهداری سلاح شکاری وینچستر بدون مجوز» محکوم شده بود.

**ضارب در بازجویی‌ها گفت تیر از دستش در رفته و متهم روی پشت بام بود. با کارشناسی اسلحه و صحنه جرم ثابت شد گلوله از فاصله یک متری و مستقیم به صورت آقای جامه بزرگ شلیک شده و کارشناس اعلام کرد استفاده از اسلحه «به قصد کشت» صورت گرفته است. به گفته وحید جامه بزرگ، برادر مقتول «قاتلان به دلیل وجود شاهدان نتوانستند بگویند کار ما نبوده».**

در قرار نهایی دادسرا، ۱۲ نفر از ۱۴ متهم پرونده که به گفته دادسرا «در فرایند ورود به عنف به منزل مقتول مشارکت داشته‌اند» بازداشت و تفهیم اتهام شده‌اند و دو نفر دیگر از تیم ماموران امنیتی «فراری» و تحت تعقیب هستند. آقای درفشان یادآور شد در قرار نهایی دادسرا به تلاش‌ها برای انحراف پرونده، گزارش‌های خلاف واقع ماموران، تلاش برای جلوگیری از خاکسپاری محمد جامه بزرگ در ملارد و ارائه گزارش غلط به شورای تامین این شهرستان از سوی ماموران امنیتی اشاره شده است.<sup>۲۳</sup>

شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران در ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۲ طی حکمی متهم ردیف اول پرونده را به اعدام محکوم کرد. ۳ نفر از مامورین محکوم به احکام حبس با تاکید بر عدم امکان برخورداری از تخفیف و پرداخت جزای نقدی و ۷ نفر دیگر از مامورین دستگیر شده بنا بر حکم صادره تبرئه شدند.<sup>۲۴</sup> در ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور حکم دادگاه نظامی را عیناً تایید کرد.

<sup>۲۲</sup> بی‌بی‌سی، ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، <https://www.bbc.com/persian/articles/czqngdgglgno>

<sup>۲۳</sup> انصاف نیوز، ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، <https://ensafnews.com/413152/>

<sup>۲۴</sup> روزنامه هم‌میهن، ۲۴ دی ۱۴۰۲، <https://hammihanonline.ir/fa/tiny/news-11773>

در دادنامه صادره از سوی شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور، متهم ردیف اول که پیش‌تر در خبرگزاری‌های داخلی به نقل از بازپرس پرونده از او با عنوان «کارمند رسمی یک ارگان نظامی» نام برده شده بود، تحت عنوان «بسیجی» به جرم قتل نفس آقای جامه‌بزرگ به قصاص محکوم شد. همچنین در این دادنامه دیگر متهمان پرونده تحت عنوان «پاسدار» که به اعضای سپاه پاسداران گفته می‌شود، به حبس کوتاه مدت محکوم شدند.<sup>۲۵</sup> پیام درفشان، وکیل خانواده جامه‌بزرگ، گفت: مطالبه خانواده جامه‌بزرگ، «دادخواهی» است. آنان تاکید دارند که به دنبال ریختن خون نیستند اما می‌خواهند جلوی تکرار وقایع مشابه را بگیرند و ثابت کنند خون هیچ کس از دیگری رنگین‌تر نیست.<sup>۲۶</sup>

## بخش دوم: پرونده‌های بی‌سرانجام

پرونده‌های بی‌سرانجام پرونده‌هایی هستند که نه‌تنها با گذشت دو سال همچنان بدون رسیدگی موثر قضایی معلق مانده‌اند، بلکه مقامات برای منصرف کردن خانواده‌ها، آنها را به طرق مختلف تحت آزار و پیگرد قضایی قرار داده‌اند.



مهسا (ژینا) امینی

### ۱- مهسا (ژینا) امینی

مهسا (ژینا) امینی در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ به دلیل نوع پوشش در تهران بازداشت شد. او پس از انتقال به بازداشتگاه در حالی که به کما رفته بود توسط ماموران امنیتی به بیمارستان کسری انتقال داده شد و سه روز بعد جان باخت. پرونده شکایت خانواده او با گذشت دو سال بی‌نتیجه و معلق مانده است و وکیل پرونده نیز به حبس محکوم شده است.<sup>۲۷</sup>

خانواده مهسا (ژینا) امینی پس از قتل فرزندشان از دادسرای جنایی تهران خواستند تا کمیته‌ای حقیقت‌یاب متشکل از پزشکان مستقل از حکومت و مورد تایید خانواده برای بررسی علت مرگ دخترشان تشکیل شود. آقای شهریاری، معاون وقت دادستان تهران و رئیس وقت دادسرای جنایی تهران، ابتدا با این درخواست موافقت کرد.<sup>۲۸</sup> در تاریخ ۹ مهر ۱۴۰۱ جلسه بررسی علت مرگ مهسا (ژینا) امینی به‌رغم آنچه خانواده خواسته بودند، با حضور چند تن از اعضای سازمان پزشک قانونی تشکیل شد و حتی خانواده امینی به این جلسه دعوت نشدند.

پس از این جلسه، مقامات قضایی به خانواده امینی گفتند برخی پزشکان قانونی معتقدند علت مرگ مهسا (ژینا) امینی «ورود ضربه سخت نبوده» و علت مرگ را «عملکرد بد» و «بی‌کیفیت بودن قرص تیروئیدی» خواندند که خانم امنیتی مصرف می‌کرد. خانواده امینی با رد این نظریه بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب متشکل از پزشکان مستقل اصرار ورزیده و گفتند بر اساس مدارک اولیه در بیمارستان، رد خون از گوش خانم امینی دیده شده است.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۵</sup> وبسایت خبری مدارا، ۱۱ شهریور ۱۴۰۳. <https://www.modara.ir/fa/news/۳۱۲۲۰۵/>

<sup>۲۶</sup> روزنامه هم‌میهن، ۲۴ دی ۱۴۰۲. <https://hammihanonline.ir/fa/tiny/news/۱۱۷۷۳>

<sup>۲۷</sup> خبرگزاری خبر آنلاین، ۹ مهر ۱۴۰۱. [khabaronline.ir/xjhrB](http://khabaronline.ir/xjhrB)

<sup>۲۸</sup> خبرگزاری ایرنا، ۱۵ مهر ۱۴۰۱. [www.irna.ir/xjKHHQ](http://www.irna.ir/xjKHHQ)

<sup>۲۹</sup> خبرگزاری خبر آنلاین، ۹ مهر ۱۴۰۱. [khabaronline.ir/xjhrB](http://khabaronline.ir/xjhrB)



مهسا امینی در سالن انتظارات پلیس امنیت اخلاق  
تهران ۲۲ شهریور ۱۴۰۱.  
اعتماد، ۲۹ شهریور ۱۴۰۱

سازمان پزشکی قانونی با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۱۵ مهر ۴۰۱۱ اعلام کرد با توجه به معاینات جسد، کالبدشکافی و آزمایشات آسیب‌شناسی «اصابت ضربه به سر و عناصر حیاتی بدن را به عنوان علت مرگ رد کرده و در عوض مرگ خانم امینی را در اثر عمل جراحی که او در هشت سالگی انجام داده بود معرفی کردند.<sup>۳۰</sup>

خانواده امینی با رد ادعای پزشکی قانونی گفتند فرزندشان در ۶ تا ۷ سالگی به دلیل اینکه بالای چشم او یک غده نمایان بود تحت درمان قرار گرفت. دکتر مسعود شیروانی، پزشک متخصصی که مهسا (ژینا) امینی تحت نظر او عمل شده بود با حضور در جلسه پزشکی قانونی به صراحت اعلام کرد: «عمل جراحی قدیمی خانم امینی در مرگ او هیچ تاثیری نداشته است.» پس از اعتراض خانواده امینی به گزارش پزشکی قانونی، اعتراض آنها رد و پرونده مهسا (ژینا) امینی پیش از رسیدن به دادگاه معلق شد.

آقای صالح نیکبخت، وکیل پرونده خانم امینی، چند بار به نهادهای امنیتی احضار و نسبت به مصاحبه با «رسانه‌های خارجی» هشدار دریافت کرد. شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران در تاریخ ۱۵ مهر ۱۴۰۲ آقای نیکبخت را به دلیل استفاده از واژه «قتل» در مصاحبه با روزنامه اعتماد به «تبلیغ علیه نظام» متهم و به تحمل یک سال حبس محکوم کرد.<sup>۳۱</sup>

در اسفند همان سال، کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل با انتشار گزارشی وجود شواهد «مبنی بر ضربه بر بدن خانم امینی، در زمانی که در پلیس امنیت اخلاقی بازداشت بود» محرز دانست و علت مرگ را «خشونت فیزیکی» اعلام کرد و مسئولیت آن را به حکومت ایران نسبت داد.<sup>۳۲</sup>



محمد آریان خوش‌گوار

## ۲- محمد آریان خوش‌گوار

پرونده شکایت خانواده آقای محمد آریان خوش‌گوار، جوان ۱۸ ساله‌ای که در سنندج کشت شد، بدون ارائه هرگونه توضیحی به خانواده، مختومه اعلام شد. پیش از مختومه شدن پرونده، آقای حسن عسگری، فرماندار وقت سنندج، خانواده آقای خوش‌گوار را تهدید کرد «دیه بگیرند وگرنه با عواقب امنیتی مواجه خواهند شد.»

محمد آریان خوش‌گوار، ۱۸ ساله بود که در تاریخ ۲۶ آبان ۱۴۰۱ در اعتراضات مردمی شهر سنندج با ضربات چاقو و باتوم نیروهای یگان ویژه مجروح و در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ پس از ۴ ماه بستری شدن در بیمارستان کوثر به دلیل شدت جراحات جان باخت.

خانواده آقای خوش‌گوار در دادگاه سنندج در رابطه با قتل فرزندشان شکایت کردند. آقای حسن عسگری، فرماندار وقت شهر سنندج، در تماسی با خانواده آقای خوش‌گوار پیشنهاد داد با دریافت دیه فرزندشان از پیگیری شکایت خودداری کنند در غیر این صورت «با عواقب امنیتی» مواجه خواهند شد.

<sup>۳۰</sup> خبرگزاری ایرنا، ۱۵ مهر ۱۴۰۱. [www.irna.ir/xjKHHQ](http://www.irna.ir/xjKHHQ)

<sup>۳۱</sup> روزنامه شرق، ۲۶ مهر ۱۴۰۲. <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-901373>

<sup>۳۲</sup> گزارش تفصیلی ۵۵۰ صفحه‌ای از یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل در مورد جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۶۲، ۱۹ مارس ۲۰۲۴. <https://www.iranrights.org/fa/>

[4144/library/document](https://www.iranrights.org/fa/library/document-4144/)



بنا به اسناد قضایی موجود، دادسرای نظامی استان کردستان در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ سه نامه رسمی به مراجع مختلف ارسال کرد. در این نامه‌ها، درخواست‌هایی برای بررسی سوابق پزشکی از بیمارستان کوثر سنندج، تعیین علت مرگ از پزشکی قانونی سنندج، و تحقیق درباره ضرب و جرح احتمالی آریان توسط ماموران امنیتی از نیروی انتظامی سنندج مطرح شد.

با این حال، بر اساس گزارش‌ها، این درخواست‌ها بی‌نتیجه ماندند، در نهایت، فشارهای نهادهای امنیتی منجر به بسته شدن پرونده بدون نتیجه‌گیری و بدون پاسخگویی به خانواده قربانی شد.<sup>۳۳</sup>



کیان پیرفلک

### ۳- کیان پیرفلک

در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۱، قتل کیان پیرفلک، کودک ۹ ساله در شهر ایذه، احساسات عمومی را در سطح جهانی جریحه‌دار کرد. با وجود اینکه پدر و مادر کیان به صراحت اعلام کردند شاهد به رگبار بستن خودرویشان توسط ماموران امنیتی بودند حکومت هرگز مسئولیت قتل کیان را نپذیرفت و در اقدامی شگفت‌انگیز، یکی از همشهری‌های کیان پیرفلک را که خود به قتل کیان معترض بود، بازداشت و متهم به قتل او کرد.

کیان پیرفلک، کودک ۹ ساله اهل ایذه، در حالی که به همراه پدر، مادر و برادرش در خودرو در مسیر خانه بودند، در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۱، هدف گلوله جنگی قرار گرفت و در دم جان سپرد. پدر او، میثم پیرفلک، نیز به شدت زخمی شد و مدت چهار ماه در بیمارستان تحت درمان بود. خانم زینب مولایی‌راد، مادر کیان، به صراحت اعلام کرد شاهد آتش گشودن ماموران امنیتی به سمت خودرویشان بود. او در شعبه سوم دادگاه کیفری استان خوزستان شکایت خود را ثبت کرد.<sup>۳۴</sup>

ماموران امنیتی آقای عباس (مجاهد) کورکور را که خود از معترضان به مرگ کیان پیرفلک بود به اتهام قتل کیان پیرفلک و شش معترض دیگر که در اعتراضات کشته شده بودند، بازداشت کردند. با وجود اینکه آقای کورکور تحت شکنجه قرار گرفت تا مسئولیت قتل کیان را بر عهده بگیرد، او بر بی‌گناهی خود پافشاری کرد و تن به اعترافات اجباری نداد.

سوم دی ۱۴۰۲ شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور حکم سه مرتبه اعدام کورکور را به اتهام‌های: «مبارزه از طریق کشیدن سلاح به قصد جان مردم»، «ارعاب و فساد فی‌الارض از طریق ارتکاب جنایت جنگی»، «اخلال در نظم عمومی»، «ایراد خسارت عمده به تمامیت جسمانی منتج به جان باختن هفت نفر از جمله کیان پیرفلک»، «ایراد خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی» و «تشکیل گروه باغی و عضویت در آن از طریق قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی» تأیید کرد.<sup>۳۵</sup>

پدر و مادر کیان پیرفلک اتهام قتل فرزندشان توسط آقای کورکور را به صراحت رد کرده و به طور رسمی در دفتر ثبت اسناد رسمی سندی را امضا کردند که خود شاهد قتل فرزندشان توسط ماموران امنیتی بودند و از آقای مجاهد کورکور هیچ شکایتی ندارند. با وجود این آقای کورکور همچنان در خطر اجرای حکم اعدام است. ماموران امنیتی، مادر کیان پیرفلک را پس از اولین سالگرد تولد کیان که به درگیری انجامید، از تاریخ ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ در منزل خود در حبس خانگی قرار دادند.<sup>۳۶</sup>

پرونده شکایت خانواده پیرفلک از ماموران امنیتی با گذشت دو سال بدون رسیدگی قضایی در شعبه دو بازپرسی دادگاه انقلاب ایذه معلق باقی مانده است، این در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی نام او را به عنوان یکی از شهدای حکومت ثبت کرده‌اند.

۳۳ هه نگاه، ۱۲ شهریور ۱۴۰۲. <https://hengaw.net/fa/news/archive/61476>

۳۴ ایران وایر، ۱۳ خرداد ۱۴۰۲. <https://iranwire.com/fa/news/1171881>

۳۵ رادیو زمانه، ۲۹ خرداد ۱۴۰۳. <https://www.radiozamaneh.com/822268/>

۳۶ ایران وایر، ۲۴ خرداد ۱۴۰۲. <https://iranwire.com/fa/news/1175428>



## ۴ - یحیی رحیمی ۳۷



یحیی رحیمی

آقای یحیی رحیمی ۳۱ ساله، در تاریخ ۱۶ مهر ۱۴۰۱ در حالی که در ترافیک خیابان در خودرو شخصی اش نشسته بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. تصویر پیکر غرق به خون او در حالی که پشت فرمان نشسته، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و احساسات عمومی را برانگیخت.

هر سنج در تاریخ ۱۶ مهر ۱۴۰۱ شاهد اعتراضات شهروندان بود. شماری از شهروندان در پیاده‌رو خیابان ششم بهمن (پاسداران) در حال تظاهرات بودند و خودروهایی که در خیابان در ترافیک مانده بودند با بوق زدن از اعتراضات مردم حمایت می‌کردند. تعدادی مامور امنیتی لباس شخصی که به چوب و چماق و

اسلحه مسلح بودند به طرف مردم حمله کردند. دوربین تلفن همراه شهروندان صحنه حمله ماموران به خودرو شخصی آقای یحیی رحیمی را ثبت کرده است. ماموران به خودرو او حمله کردند و شیشه‌های آن را شکستند، آقای رحیمی به سرعت از آنها دور شد. کمی جلوتر یک مامور مسلح به اسلحه ساچمه‌ای از فاصله نیم متری به سر آقای رحیمی شلیک کرد. آقای رحیمی در دم جان باخت و ماموران لباس شخصی به سرعت محل را ترک کردند. کمی بعدتر ماموران با لباس نظامی در صحنه حاضر شدند و پیکر آقای رحیمی را با خود بردند.

تنها یک گلوله ساچمه‌ای شات‌گان ۱۲ میلیمتری به «شقیقه چپ» آقای رحیمی اصابت کرد، اما شدت آسیب آن به قدری بود که حتی برخی از اعضای خانواده و نزدیکان، پس از مشاهده تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، او را نشناختند.

به گفته یکی از نزدیکان، اعضای خانواده ابتدا از طریق شبکه‌های اجتماعی و مشاهده تصاویر پیکر غرق در خون آقای رحیمی پشت فرمان خودرو شخصی اش، متوجه مرگ او شدند. بستگان آقای رحیمی برای یافتن او به بیمارستان‌ها مراجعه کردند. در نهایت، تماسی از شماره تلفن ناشناس، از خانواده او خواستند که پدر آقای رحیمی به اطلاعات مراجعه و فرزندش را شناسایی کند.

در جواز دفن آقای رحیمی، صادره به تاریخ ۱۷ مهر ۱۴۰۱، علت مرگ او «آسیب وسیع نسج مغزی، شکستگی، خردشدگی استخوان جمجمه و اصابت پرتابه پرسرعت» عنوان شده است.

**مراسم خاکسپاری آقای رحیمی در نیمه‌شب ۱۷ مهر با حضور محدود اعضای خانواده و تحت تدابیر شدید امنیتی در «بهشت محمدی سنج» برگزار شد. خانواده آقای رحیمی خواستار دفن جنازه او در روستای زادگاهش بودند، اما ماموران اداره اطلاعات مانع شدند. هنگام خاکسپاری، تعداد زیادی از ماموران لباس شخصی و نیروهای مسلح به همراه بی‌سیم و باتوم حضور داشتند. روز ۲۶ آبان، مراسم چهلم آقای رحیمی به یک تظاهرات بزرگ ضدحکومتی تبدیل شد که همزمان با نخستین سالگرد ازدواج او بود.**

خانواده آقای رحیمی در پی قتل فرزندشان شکایتی در دادگاه سنج ثبت کردند. مقامات قضائی به طور مداوم پیگیری پرونده را به تاخیر انداختند و تلاش کردند خانواده آقای رحیمی را مایوس کنند. برای مثال به آنها گفتند احزاب کردی آقای رحیمی را کشته‌اند، یا یکی از معترضان دیگر مسئول مرگ او است، یا گفتند قاضی نیامده، یا مرخصی رفته، یا قاضی عوض شده است. اما خانواده همچنان پیگیر بود. منبع مطلع درباره این پرونده به بنیاد برومند گفت یک بار در سالگرد فوت یحیی، ماموران اطلاعات به خانواده آقای رحیمی گفتند هر کسی که فرزند شما را کشته باشد دادگاهی نخواهد شد، در نهایت فقط در دادگاه حاضر می‌شود و می‌گویند نمی‌دانیم چنین اتفاقی افتاد.

خانواده رحیمی وکیل ندارند. به گفته یک منبع مطلع، دادگاه به وکیلی که حاضر شده بود به رایگان در پیگیری حقوقی به آنها کمک کند اجازه ورود به پرونده را نداد.

در نهایت با گذشت ۷ ماه، مقامات قضائی به خانواده گفتند «یک نظامی فرزند شما را کشته» و پرونده به دادگاه نظامی ارجاع شده است. آنها در پاسخ به پیگیری‌های بعدی خانواده، گفتند پرونده برای رسیدگی به تهران ارسال شده و باید منتظر پاسخ مراجع قضایی در آنجا باشند. این جواب آخرین پاسخ رسمی‌ای است که خانواده او از سوی مسئولان دریافت کرده‌اند. تا پاییز سال ۱۴۰۳، هر بار که خانواده پیگیر پرونده شدند مقامات قضایی به آنها گفتند منتظر دستور تهران برای بازبینی دوربین‌ها هستند. در حالی که همه دوربین‌ها همان روز اول جمع آوری شدند.

پدر آقای رحیمی در مصاحبه‌ای در تاریخ ۵ خرداد ۱۴۰۱ اظهار کرد «امیدی به رسیدگی قضایی» ندارد و خطاب به رهبر جمهوری اسلامی گفت: «چرا به ماموران سازمان ملل (کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل) اجازه نمی‌دهید برای تحقیق در مورد قتل فرزندش به ایران بیایند؟»<sup>۳۸</sup>



محمد امینی

## ۵ - محمد امینی

محمد امینی ۳۹ ساله بود که در اعتراضات شانزدهم مهر ۱۴۰۱ در محله تقنقان سنندج به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد. برادر او، حسن امینی، نیز پیرو فعالیت دادخواهانه‌اش درباره قتل برادرش، در ۴ تیر ماه ۱۴۰۲ توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه دو کیفری سنندج به شش ماه و نیم زندان و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شد.

محمد امینی حدود ساعت ۸ شب شانزدهم مهر ۱۴۰۱ در محله تقنقان سنندج از پشت سر و از ناحیه قلب مورد اصابت گلوله اسلحه کلاش نیروهای امنیتی قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان کوثر، با وجود تلاش پزشکان برای نجات او، بر اثر شدت جراحات جان باخت.<sup>۳۹</sup>

بر اساس اطلاعات یک منبع مطلع، پس از اینکه خانواده محمد امینی شکایتی در مورد قتل او ثبت کردند، مقامات دفتر استانداری، دفتر فرمانداری و اداره اطلاعات سنندج تلاش کردند تا آنها را از پیگیری پرونده منصرف کرده و به خانواده او پیشنهاد دیه کردند. به گفته این منبع در تماس تلفنی به خانواده گفته شد که قتل آقای امینی کار نیروهای حکومتی نیست و به دست «افراد معاند است». با وجود این از آنها خواستند با مراجعه به فرمانداری و دریافت دیه، پیگیر شکایت خود نشوند. «[چون] کار از کار گذشته است».

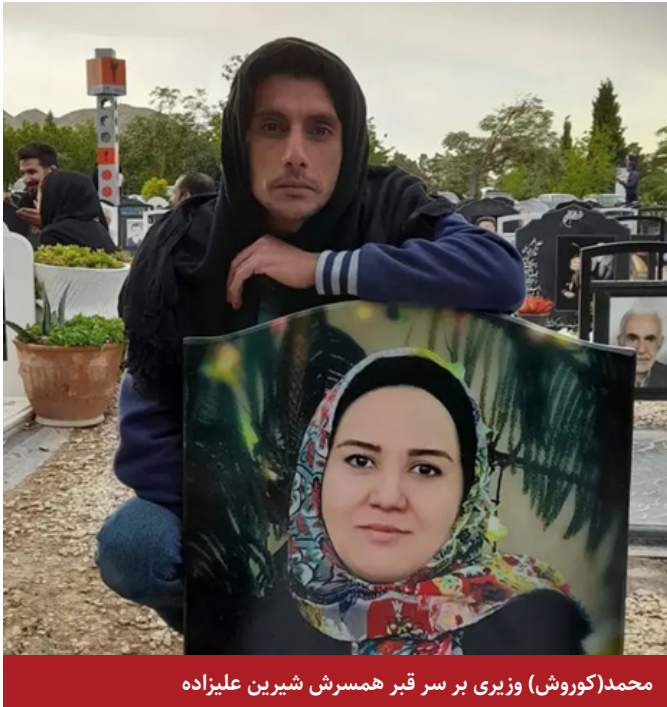
با گذشت هفت ماه، دیوان عالی کشور، پرونده شکایت را برای بررسی بیشتر به شعبه ۴ بازپرسی دادگاه عمومی و انقلاب سنندج ارجاع داد. در پاسخ به پیگیری‌های خانواده، مقامات قضایی به طور شفاهی اعلام کردند که از هر سه ارگان نظامی سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و اداره اطلاعات سنندج خواسته‌اند تا مشخص کنند کدام ارگان نظامی در محل قتل آقای امینی حضور داشته است. اما هر سه نهاد پاسخ داده‌اند که نیروهای‌شان در محل قتل حضور نداشتند.

۳۸ صدای آمریکا، ۵ خرداد ۱۴۰۲. <https://ir.voanews.com/a/html.۷۱۰۹۱۷/>

۳۹ کردپا، ۱۷ مهر ۱۴۰۱. <https://kurdpa.net/fa/news>

حسن امینی، برادر آقای امینی، در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ پس از حضور در جمع خانواده‌های دادخواه، بر مزار کشته‌شدگان اعتراضات سقز و بوکان، بازداشت و به زندان بوکان منتقل شد. او در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ با تودیع قرار وثیقه از زندان بوکان آزاد و بعدتر در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو بوکان به اتهام «اخلال در نظم عمومی» محاکمه و به تحمل «شش ماه و نیم حبس و ۴۰ ضربه شلاق» محکوم شد.<sup>۴۰</sup>

پرونده شکایت آنها هم‌اکنون بدون رسیدگی قضایی موثر در شعبه چهارم بازپرسی دادگاه عمومی و انقلاب سنندج در قرار دارد. اما همزمان تلاش‌هایی نیز مانند پیشنهاد دیه و پرونده‌سازی علیه برادر متوفی برای متوقف کردن این شکایت در جریان است.



محمد(کورش) وزیری بر سر قبر همسرش شیرین علیزاده

## ۶ - شیرین علیزاده<sup>۴۱</sup>

خانم علیزاده ۳۶ ساله بود که در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ زمانی که در سفر خود در حال عبور از شهر عباس آباد مازندران بودند، مقابل چشمان همسر و فرزند هفت ساله‌اش که در خودرو، کنار او بودند، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد.

ثبت لحظه شلیک به خانم شیرین علیزاده توسط دوربین تلفن همراهش، آن را به یکی از تکان‌دهنده‌ترین قتل‌های حکومتی تبدیل کرد. در این ویدیو که پس از قتل خانم علیزاده منتشر شد، او که در حال فیلمبرداری از صحنه تیر خوردن یک زن معترض بود، با وحشت می‌گوید: «دختر مردم رو کشتند». اندکی بعد گلوله‌ی دیگری به خانم علیزاده اصابت می‌کند، دوربین به زمین می‌افتد و خون دوربین را می‌پوشاند. آخرین صحنه این ویدیو چهره وحشت‌زده همسر خانم علیزاده را نشان می‌دهد که بهت زده به همسرش می‌نگرد.<sup>۴۲</sup>

خانواده خانم علیزاده در دادگاه مازندران در رابطه با قتل دخترشان شکایت کردند اما مسئولین قضایی این استان شکایت را نپذیرفتند.

پرونده شکایت خانواده خانم علیزاده پس از بی‌توجهی دستگاه قضایی استان مازندران به دیوان عالی کشور فرستاده شد، با وجود اینکه دیوان عالی کشور در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۲ پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دادگستری مازندران ارسال کرد، دادگستری این استان تاکنون مراحل رسیدگی به پرونده را آغاز نکرده است.<sup>۴۳</sup>

در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ همزمان با سالروز تولد شیرین علیزاده، آقای محمد (کورش) وزیری همسر خانم علیزاده، در حالی که به مزار همسرش رفته بود بازداشت و به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد.<sup>۴۴</sup> خانم نسرين علیزاده، خواهر خانم علیزاده، نیز یکم شهریور ۱۴۰۲ به دلیل دادخواهی قتل خواهرش و اعتراض به بازداشت آقای وزیری، به دست نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت شد.<sup>۴۵</sup> خانم نسرين علیزاده در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ با قرار وثیقه به طور موقت از زندان آزاد شد.<sup>۴۶</sup>

آقای محمد وزیری در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۲ با قرار وثیقه از زندان آزاد و در تاریخ ۱۵ آبان ۱۴۰۲ در شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان محاکمه شد. او در این پرونده به دو ماه حبس تعزیری محکوم شد.<sup>۴۷</sup>

<sup>۴۰</sup> همنگا، ۱۵ تیر ۱۴۰۲. <https://hengaw.net/fa/news/archive>. ۶۰۳۸۹

<sup>۴۱</sup> رای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به صفحه یادبود امید «شیرین علیزاده» در وبسایت بنیاد برومند، <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story> /shirin-alizadeh-khansari/۸۹۵۶/

<sup>۴۲</sup> بی‌بی‌سی فارسی، ۷ شهریور ۱۴۰۲. <https://www.bbc.com/persian/articles/ckk1n۰۳۴۹۶ro>

<sup>۴۳</sup> کانال خبری امتداد، ۲۰ شهریور ۱۴۰۲. <https://t.me/emtedadnet> /۸۴۴۱۸

<sup>۴۴</sup> کانال خبری امتداد، ۲۰ شهریور ۱۴۰۲. <https://t.me/emtedadnet> /۸۱۵۵۸

<sup>۴۵</sup> خبرگزاری هرانا، ۱ شهریور ۱۴۰۲. <https://www.hra-news.org/?p=۴۲۶۳۸۲>

<sup>۴۶</sup> وبسایت زن، ۱۲ شهریور ۱۴۰۲. <https://jinhaagency.com/fa/rwzanh/nsryn-lyzadhkhwansary-ba-qrar-wthyqh-azad-shd>. ۴۰۱۸۸

<sup>۴۷</sup> کانال خبری امتداد، ۲۰ شهریور ۱۴۰۲. <https://t.me/emtedadnet> /۸۴۴۱۸





محمد(کوروش) وزیری بر سر قبر همسرش شیرین علیزاده

## ۷ - سیاوش محمودی

سیاوش محمودی ۱۶ ساله بود که در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ مقابل پایگاه بسیج محله نازی آباد تهران به ضرب گلوله جنگی نیروهای امنیتی کشته شد. پزشکی قانونی علت مرگ را «شلیک از رو به رو» عنوان کرد.

پیکر آقای محمودی در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ پس از بررسی‌های اولیه پزشکی قانونی و اخذ تعهد کتبی خانواده مبنی بر اینکه «از کسی شکایتی ندارند»، تحویل داده شد.

خانواده آقای محمودی پس از تلاش‌های بسیار، شکایتی را در دادسرای جنایی ناحیه ۲۷ تهران علیه ماموران حکومتی در رابطه با مرگ فرزندشان ثبت کردند. دادسرای جنایی، دست‌کم دو بار در مهر ۱۴۰۱ و آذر ۱۴۰۱ از شعبه ۱۰ آگاهی تهران خواست تا در این باره تحقیق کند اما هر بار این درخواست بی پاسخ ماند. در نهایت شعبه اول دادسرای جنایی ناحیه ۲۷ تهران، با استناد به اینکه اقدامات نیروهای امنیتی در ایام «اغتشاشات» تحت نظارت مقام قضایی نبوده و در راستای «اجرای وظایف نظامی» بوده، پرونده قتل سیاوش محمودی را به دادسرای نظامی تهران واگذار کرد.

شعبه هفتم دادسرای نظامی تهران در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ در حالی تحقیقات درباره قتل سیاوش محمودی را به سپاه محمد رسول الله تهران واگذار کرد که پدر و مادر آقای محمودی از همین ارگان به عنوان «قاتل» فرزندشان شکایت کرده بودند.

بازرس سپاه محمد رسول الله تهران در تاریخ ۳ اسفند ۱۴۰۱ در پاسخ به دادسرای نظامی تهران گزارش کرد که بر اساس تحقیقات انجام شده از پایگاه مقاومت بسیج شهید رجایی، مسئول عملیات پایگاه در زمان اعتراضات، سرگرد پاسدار مهدی عزتی مدعی است که ماموران تحت امر او در آن دوران تنها از سلاح لانچر و پینت بال استفاده کردند و از هیچ سلاح جنگی استفاده نشده است.

در نهایت پرونده شکایت خانواده سیاوش محمودی، به بهانه مشخص نبودن قاتل، به شعبه اول بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷ برگردانده شد. در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۴۰۲، یعنی بعد از گذشت ۱۸ ماه پس از قتل سیاوش محمودی، بازپرس پرونده دستور بازبینی فیلم دوربین‌های مدار بسته و پرس و جو از کسبه محل و جزییات پرونده پزشکی از بیمارستان را صادر کرد. روشن نیست که پس از این مدت تصاویری در دوربین‌ها ذخیره مانده باشد و یا شاهدانی را بتوان یافت که آن روز را به خاطر داشته باشند یا خیر. همچنین، بازپرس پرونده پزشکی محمودی از بیمارستان بهارلو را خواستار کرد در حالی که سیاوش محمودی پس از مجروح شدن به بیمارستان کاشانی منتقل شده بود.

تا تیر ۱۴۰۳، هیچ به‌روزرسانی‌ای در مورد این پرونده ارائه نشده است. در پرونده تحقیق، اطلاعاتی درباره گلوله‌ای که از سر محمودی خارج شده و محل نگهداری آن و مشخصات سلاحی که به وسیله آن به او شلیک شده است وجود ندارد.



خانم مهدوی در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۳ در صفحه اینستاگرامش اعلام کرد ماموران امنیتی در پاسخ به او گفتند فرزندش در حال بالا رفتن از دیوار بسیج بوده و ما حق داشتیم شلیک کنیم. این در حالیست که ماموران امنیتی پیشتر به او گفته بودند «افراد ناشناس» به فرزندش شلیک کرده‌اند.<sup>۴۸</sup>

خانم محمودی گفت: نتیجه دادخواهی‌اش پرونده‌سازی علیه او از جانب دستگاه امنیتی به بهانه «تشویش اذهان عمومی» شده است. همچنین ماموران امنیتی ضمن احضار او و دخترش، تهدید کردند در صورت عدم حضور، «می‌آییم و از منزلتان شما را می‌بریم». پیشتر نیز در تاریخ ۲ شهریور ۱۴۰۲ ماموران امنیتی به منزل خانم مهدوی یورش برده و تلفن همراه او و فرزندش سیاوش را ضبط و او را به دادرسی اوین احضار کردند.

خانم لیلا مهدوی با تاکید بر دادخواهی می‌گوید: «من فقط یک دادخواه هستم، دادخواهی جرم نیست.»<sup>۴۹</sup>



محمدجواد زاهدی ساروی

## ۸ - محمدجواد زاهدی ساروی<sup>۵۰</sup>

محمدجواد زاهدی ساروی ۲۰ ساله بود که در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در خیابان انقلاب شهر ساری مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستانی در قائمشهر جان باخت. خانم مهسا یزدانی، مادر آقای زاهدی، به دلیل دادخواهی مرگ فرزندش به تحمل ۱۳ سال حبس محکوم شد.

پیگر آقای محمدجواد زاهدی دو روز پس از مرگ با اخذ تعهد کتبی از خانواده‌اش مبنی بر خودداری «از گفتن حرف‌های تحریک‌کننده در مراسم خاکسپاری» به آنها تحویل و در روستای مادری‌اش «ولشکلا»، به خاک سپرده شد.

خانواده آقای زاهدی در دادگاه انقلاب ساری شکایتی بابت قتل فرزندشان ثبت کردند. خانم مهسا یزدانی، مادر آقای زاهدی، گفت در جلسات بازپرسی، مقامات قضایی به او گفتند: «هیچ فیلمی از لحظه کشته شدن آقای زاهدی ثبت نشده و نمی‌توان هویت قاتل را مشخص کرد.» خانواده آقای زاهدی با استناد به اینکه محل مرگ فرزندشان (خیابان انقلاب) محلی پر تردد است، این توجیه قوه قضائیه را نمی‌پذیرند و امکان اینکه در خیابان انقلاب دوربینی کار نکند را رد می‌کنند.

مسئولان قضایی در پاسخ به پیگیری‌های خانواده پاسخ‌های ضد و نقیضی دادند و در ادعایی دیگر گفتند «منافقین و اراذل اوباشی» که در اعتراضات «لباس پلیس» به تن داشتند قاتل آقای زاهدی هستند، با وجود این باز هم شخصی را به عنوان متهم به قتل به خانواده معرفی نکردند. مسئولان قضایی برای منصرف کردن خانواده آقای زاهدی پیشنهاد پرداخت پول هم دادند، خانواده و اکثراً به این پیشنهاد گفتند: «خون فرزندشان را با هیچ پولی معاوضه نمی‌کنند» و تاکید کردند «قاتل را شناسایی کنید.»

خانم یزدانی پس از ناامیدی از روند قضایی، در شبکه‌های اجتماعی ماجرای قتل فرزندش را روایت کرد. او در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ در خانه‌اش به اتهام «فعالیت مجرمانه در فضای مجازی» توسط ماموران امنیتی بازداشت و به زندان ساری منتقل شد. خانم یزدانی پس از دو ماه بازداشت با تامین قرار وثیقه و با پابند الکترونیکی از زندان ساری موقتاً آزاد شد.<sup>۵۱</sup>

۴۸ ایران اینترنشنال، ۲۹ تیر ۱۴۰۳، <https://www.iranintl.com/202407188832>

۴۹ صفحه اینستاگرام لیلا مهدوی، ۲۳ مرداد ۱۴۰۳، <https://www.instagram.com/p/C-NRONbOcf/?igsh=NmpqaXl0b3pic3Qx>

۵۰ برای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به صفحه یادبود امید «محمدجواد زاهدی ساروی» در وبسایت بنیاد برومند، <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/8958/> [mohammad-javad-zahedi-sarouy](https://www.mohammad-javad-zahedi-sarouy.com)

۵۱ روزنامه شرق، ۳۰ آبان ۱۴۰۲، <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news/906482>



مهسا یزدانی با پابند الکترونیکی بر مزار فرزندش<sup>۵۲</sup>

شعبه یکم دادگاه انقلاب ساری به ریاست قاضی ذوقی در تاریخ ۱۵ مهر ۱۴۰۲ خانم مهسا یزدانی را به اتهامات: «اهانت به مقدسات»، «تحریک مردم به برهم زدن امنیت ملی»، «توهین به رهبری»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» در مجموع به تحمل ۱۳ سال حبس محکوم کرد که پنج سال آن اجرا خواهد شد.<sup>۵۳</sup>

مهسا یزدانی در دفاعیاتش خطاب به آقای ذوقی، قاضی پرونده، گفت: «من تا امروز نمی‌دانستم سیاست چیه؟ تا اینکه جنازه پسر رو آوردن. منم یه برگه کاغذ گرفتم دستم و رفتم دادخواهی که هی من رو از این اتاق به اون اتاق پاس دادن و آخرش هم هیچی».

آقای میثم موسوی، وکیل خانواده آقای زاهدی، به روزنامه شرق گفت: «موضوع مهم در پرونده مهسا یزدانی این است که این مادر ابتدا از مسیر قانونی به دادخواهی فرزندش پرداخته و واقعا در آن زمان هم هیچ فعالیتی در فضای مجازی نداشته است. وقتی درها را بسته دیده، فریادش را در فضای مجازی سر داده است».<sup>۵۴</sup>

در تاریخ ۲۹ آبان ۱۴۰۲ وکیل خانم زاهدی با خبر شد حکم ۱۳ سال حبس موکلش در دادگاه تجدیدنظر عینا تایید شد.<sup>۵۵</sup>

خانم میترا زاهدی، خواهر آقای زاهدی، در واکنش به صدور ۱۳ سال حبس برای مادرش نوشت: «کجای قانون شما نوشته است که مادر مقتول را به جرم دادخواهی خون فرزندش زندانی کنید و قاتل آزادانه در خیابان بچرخد. هرچند به قانونتان دیگر ما را امیدی نیست. وقتی جای شاکمی و متهم عوض می‌شود. مادرم داغ‌دیده و دادخواه است. حق مادرم زندان نیست.»

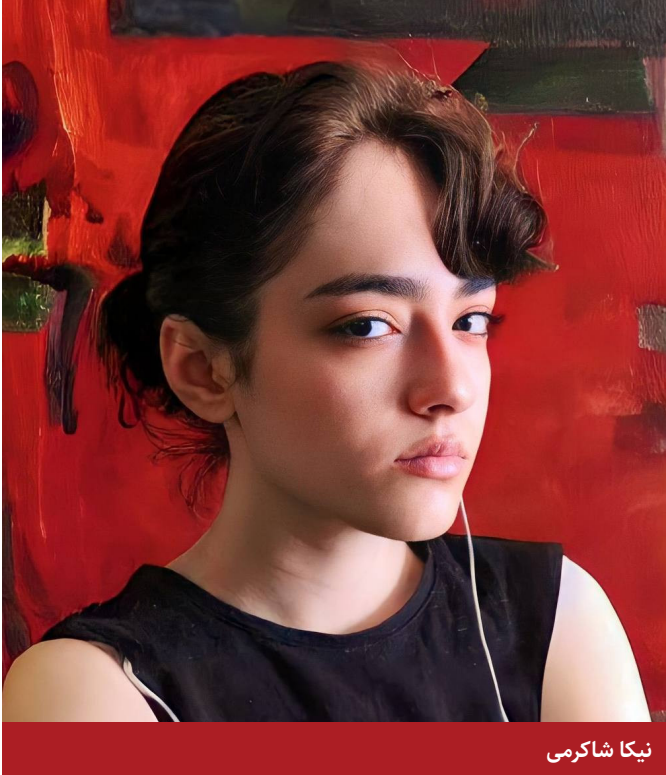
در زمان نوشتن این گزارش صفحه اینستاگرام مادر و خواهر آقای زاهدی بسته شده است.

<sup>۵۲</sup> توییت دادبان، ۲۵ بهمن ۱۴۰۲. <https://x.com/dadban4>. ۱۷۵۷۵۴۹۸۴۳۴۶۴۵۰۰۹۶۸/status/

<sup>۵۳</sup> خبرگزاری هرانا، ۸ آبان ۱۴۰۲. <https://www.hra-news.org/?p=437898>

<sup>۵۴</sup> روزنامه شرق، ۳۰ آبان ۱۴۰۲. <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-906482>

<sup>۵۵</sup> ایران وایر، ۲۹ آبان ۱۴۰۲. <https://iranwire.com/fa/news-1226781>



نیکا شاکرمی

## ۹ - نیکا شاکرمی ۵۶

نیکا شاکرمی ۱۷ ساله بود که پس از حضور در اعتراضات ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ تهران ناپدید و پس از ۹ روز بی‌خبری جنازه‌اش در پزشکی قانونی پیدا شد. تصاویری که پس از مرگ نیکا منتشر شد حضور فعال او در اعتراضات را نشان می‌داد، سن کم و شور و شوقی که نیکا نسبت به زندگی داشت، توجه ایرانیان و جهانیان را به خود جلب کرد و او را به یکی از نمادهای اعتراضات زن، زندگی، آزادی تبدیل کرد. مقامات جمهوری اسلامی با انتشار مستندهای ساختگی، بازداشت و فشار بر اعضای خانواده و صحنه‌سازی تلاش کردند مرگ او را «خودکشی» نشان دهند. ادعایی که به شدت از سوی خانواده رد شد و توجه به علت مرگ نیکا را بیشتر کرد. با این حال، پرونده‌ای برای بررسی مرگ او در دادرسی جنایی تهران گشوده شد که همچنان بدون رسیدگی قضایی در حالت معلق باقی مانده است.

نیکا شاکرمی در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در اعتراضات تهران ناپدید شد. در تاریخ ۷ مهر ۱۴۰۱ ماموران اداره آگاهی تهران به خانواده او خبر دادند که جسد فرزندشان پیدا شده و در پزشکی قانونی کهریزک است. پیکر خانم شاکرمی در تاریخ ۱۱ مهر ۱۴۰۱ بدون حضور مادرش و با حضور پرشمار ماموران امنیتی و توسط آنها در آرامستان روستای حیات‌الغیب واقع در ۴۰ کیلومتری خرم‌آباد به خاک سپرده شد. در جواز دفن او علت مرگ «صدمات متعدد ناشی از اصابت جسم سخت» قید شده است. هرگز برخی از وسایل نیکا شامل: تلفن همراه، کامپیوتر و شناسنامه‌اش به خانواده بازگردانده نشد.



تصویر نیکا شاکرمی در اعتراضات سال ۱۴۰۱

مقامات و رسانه‌های حکومتی با انتشار ده‌ها گزارش، جعل سند و اعمال نفوذ سعی کردند علت مرگ خانم شاکرمی را سقوط از ساختمان جلوه دهند و علت مرگ او را «خودکشی» اعلام کردند. آقای محسن شاکرمی، دایی نیکا و خانم آتش شاکرمی، خاله نیکا پس از خاکسپاری در تاریخ ۱۱ مهر ۱۴۰۱ توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند و برای تایید روایت رسمی در مورد چگونگی مرگ نیکا به مدت ۴۸ ساعت مقابل دوربین تحت فشار قرار گرفتند. اظهارات آنها در قالب یک مستند که سعی داشت مرگ نیکا را خودکشی جلوه دهد در شامگاه ۱۳ مهر ۱۴۰۱ در بخش خبری موسوم به ۲۰:۳۰ شبکه دو صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد.

مادر نیکا، خانم نسرين شاکرمی، با رد ادعای خودکشی فرزندش

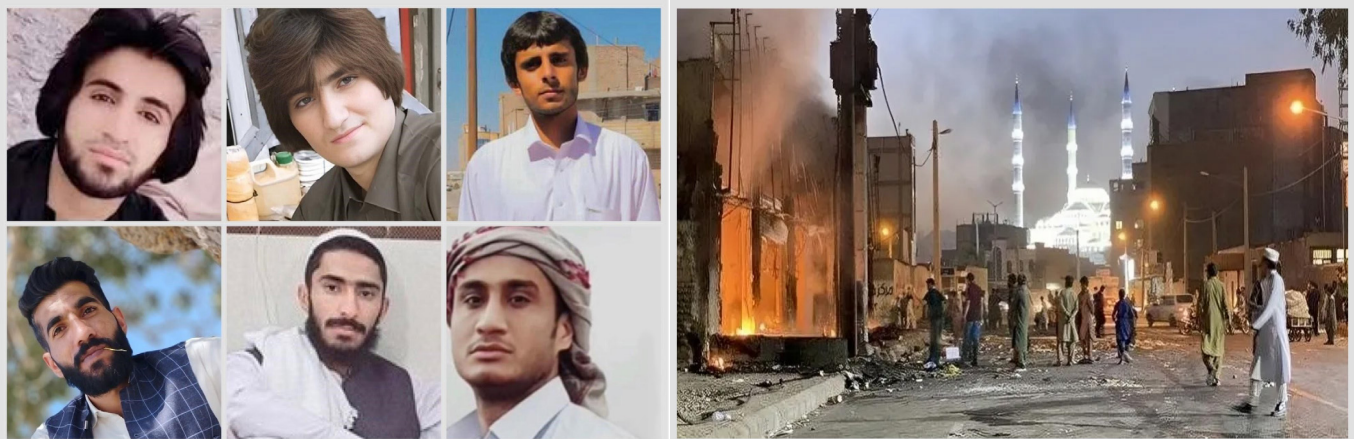
۵۶ برای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به صفحه یادبود امید «نیکا شاکرمی» در وبسایت بنیاد برومند، <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/nika-shakarami/۸۷۵۶->



گفت: «من خودم بارها بدن دخترم را پس از تحویل گرفتن جسد رویت کردم. بدن او کاملا سالم بود و هیچ شکستگی و کبودی در دست و پاهاى او نبود. یک ضربه خیلی شدید خورده بود و جمجمه‌اش به تورفته بود و فکش شکسته شده بود.»

روز پس از خاکسپاری، دادستان وقت تهران از «تشکیل پرونده قضایی در دادرسی جرایم جنایی» برای رسیدگی به «فوت» او خبر داد. رسانه‌های حکومتی نیز از بازداشت ۸ کارگر یک ساختمان تجاری در ارتباط با موضوع مرگ نیکا خبر دادند. نیروهای امنیتی خانم آتش شاکرمی را که پس از دو روز آزاد شده بود، تا مدت‌ها تحت رصد و فشار قرار دادند. مقامات حکومتی همچنین برای محسن شاکرمی، که پس از چهار روز بازداشت با قید وثیقه آزاد شده بود، پس از چند ماه پرونده‌ای با اتهاماتی چون: «تشویش اذهان عمومی» و «تحریک مردم به آمدن به خیابان‌ها» گشودند و او را هر از چند گاهی تحت فشار قرار دادند. مقامات حکومتی از خانواده شاکرمی می‌خواستند با اعلام اینکه فرزندشان به دلیل خودکشی فوت کرده، پرونده شکایت‌شان را ببندند.

خانم نسرين شاکرمی در رابطه با این پرونده گفت: «کسانی که مسئول این حادثه تلخ هستند، مسئولیت خود را بپذیرند. می‌خواهم ابهامات پرونده نیکا بدون اعمال فشار و به صورت شفاف بررسی شود.» بنا بر گفته خانم شاکرمی و بر اساس مدارکی که در پرونده نیکا شاکرمی وجود دارد ماموران اداره آگاهی تهران تصاویری را از پیکر نیکا ثبت کرده بودند که تاریخ آنها مربوط به ۲۹ شهریور بود. این در حالی است که مقامات امنیتی تا تاریخ ۷ مهر ۱۴۰۱ نسبت به وضعیت خانم شاکرمی اظهار بی‌اطلاعی کرده بودند. پرونده شکایت خانواده همچنان بدون رسیدگی مقامات قضایی معلق مانده است. خانواده خانم شاکرمی می‌گویند حاضر نیستند این پرونده را پیگیری کنند زیرا آنها اساسا به مشروعیت دستگاه قضایی اعتقادی ندارند و از طرف دیگر حاضر نیستند پرونده را ببندند زیرا با این کار ادعای حکومت مبنی بر «خودکشی» را تایید می‌کند.<sup>۵۷</sup>



راست به چپ:

ردیف بالا: محمد اقبال نایب زهی - احمد سارانی - مصطفی باریچی  
ردیف پایین: محمد صدیق نارویی - امید شهنوازی - حمزه نارویی

مسجد مکی - زاهدان - ۱۳۹۱

## ۱۰ - جمعه خونین زاهدان

روز هشتم مهر ۱۴۰۱، همزمان با اعتراضات زن، زندگی، آزادی، نمازگزاران مسجد مکی زاهدان که برای اعتراض به خیابان آمده بودند و همچنین رهگذران با تیراندازی بی وقفه نیروهای حکومتی روبه‌رو شدند و صدها تن از آنها، از جمله زنان و کودکان، کشته و مجروح شدند. در پاسخ به دادخواهی تعدادی از خانواده‌ها و مجروحان، از جمله خانواده‌های محمد اقبال نایب زهی، امید شهنوازی، مصطفی باریچی، احمد سارانی، حمزه نارویی و محمد صدیق نارویی، مسئولین قضایی هفت تن از ماموران کلانتری ۱۶ را محاکمه کردند و نتیجه گرفتند که آنها به کسی شلیک مستقیم نکردند و تنها برای متفرق کردن مردم شلیک هوایی کردند.

۵۷ یادبود امید نیکا شاکرمی در بنیاد برومند. [https://www.iranrights.org/memorial/story\\_nika-shakarami/۸۷۵۶/](https://www.iranrights.org/memorial/story_nika-shakarami/۸۷۵۶/)



ظهر روز هشتم مهر ۱۴۰۱، همزمان با اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، نمازگزاران معترض در سیستان و بلوچستان در واکنش به تجاوز یک عضو نیروی انتظامی به دختر ۱۵ ساله بلوچ، پس از برگزاری نماز جمعه در مسجد مکی زاهدان، به سوی کلانتری ۱۶ واقع در خیابان رازی، که در نزدیکی مسجد قرار داشت، حرکت کردند. ماموران نیروی انتظامی و یگان ویژه همراه با لباس‌شخصی‌هایی با لباس بلوچی که از قبل داخل کلانتری و روی پشت بام‌های ساختمان‌های اطراف مسجد مستقر شده بودند، به سوی معترضان آتش گشودند و به داخل مسجد گاز اشک‌آور شلیک کردند. با افزایش خشم معترضان، برخی از آن‌ها به سوی کلانتری سنگ پرتاب کردند. تیراندازی بی وقفه به مردم در خیابان و در مصلاهی مسجد مکی و موقعیت استراتژیک نیروهای حکومتی راه فرار زنان، مردان و کودکان حاضر در نماز جمعه را محدود کرد و در نتیجه صدها نفر کشته و زخمی شدند. این روز به دلیل تعداد زیاد قربانیان به نام «جمعه خونین» در تاریخ اعتراضات ثبت شد. تعداد دقیق افرادی که با تیراندازی نیروهای حکومتی در روز ۸ مهر کشته و زخمی شده‌اند روشن نیست. بر اساس تحقیقات کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و به نقل از خبرگزاری حال‌وش، تعداد کشته‌شدگان دست‌کم ۱۰۴ نفر،<sup>۵۸</sup> که از این تعداد ۱۵ نفر کمتر از ۱۸ سال داشتند، برآورد شده است.<sup>۵۹</sup>

شورای تأمین استان سیستان و بلوچستان در تاریخ ۹ مهر ۱۴۰۱ با انتشار بیانیه‌ای، بدون اشاره به آمار کشته‌شدگان، کشته شدن تعدادی از «نمازگزاران و مردم» را در پی تبادل آتش «نیروی انتظامی و اغتشاشگران مهاجم» تأیید کرد. حسین مدرسی خیابانی، استاندار وقت سیستان و بلوچستان، در تاریخ ۱۹ آذر ۱۴۰۱، تعداد جانبختگان این حادثه را ۳۵ نفر اعلام کرد و گفت که به دستور علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، افرادی که در این «حادثه» بی‌گناه کشته شدند، شهید محسوب می‌شوند. او همچنین تعداد زخمی‌ها را ۲۴ نفر اعلام کرد و افزود: «انتظار می‌رود این آمار به ۳۵ نفر برسد و در صورت بی‌گناه شناخته شدن، این افراد به عنوان جانباز ثبت شوند.»



مدرسی همچنین از «برکناری و تغییر» فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان، رئیس کلانتری ۱۶ این شهر و همچنین «جابه‌جایی» فرمانده انتظامی استان (احمد طاهری) خبر داد.<sup>۶۰</sup>

در معارفه فرمانده انتظامی جایگزین سردار احمد طاهری از «زحمات او تقدیر و تشکر» شد.<sup>۶۱</sup> بر اساس اطلاعات موجود، سردار احمد طاهری پس از جابه‌جایی به سمت مشاور سردار احمدرضا رادان، فرمانده انتظامی کشور در امور بلوچستان منصوب شده است.<sup>۶۲</sup>

این اقدام برای آرام کردن فضای پر تنش بلوچستان و جلوگیری از اعتراضات هفتگی مردم پس از نماز جمعه در زاهدان کافی نبود. در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۴۰۱، مولوی عبدالحمید،

امام جماعت اهل سنت مسجد مکی و از شخصیت‌های پرنفوذ سیستان و بلوچستان، در دیدار با خانواده‌های دادخواه و مجروحین حادثه ۸ مهر ۱۴۰۱، حادثه جمعه خونین زاهدان را «اتفاق و ظلمی کم‌نظیر» در سطح جهانی توصیف کرد. مولوی عبدالحمید با اشاره به جزئیات سرکوب در آن روز مسئولان را به چالش کشید. او تأکید کرد که در آن روز نزدیک به صد نفر کشته و بیش از سیصد نفر مجروح شدند و افرادی که تنها برای خواندن نماز جمعه به مسجد آمده بودند، از سوی مامورانی که از پیش آماده شده بودند، از چهار طرف مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. او همچنین با زیر سوال بردن تحقیقات مقامات در مورد وقایع جمعه خونین، گفت: «مامورانی که شلیک کرده‌اند می‌گویند به آن‌ها دستور داده شده بود. چه کسانی این دستور را داده‌اند و چرا از آن‌ها سوال نمی‌شود؟» مولوی عبدالحمید همچنین به عواقب وخیم این سرکوب اشاره کرد و افزود که بسیاری از نمازگزاران جان خود را از دست دادند و تعداد زیادی دیگر مجروح، نابینا و قطع نخاع شدند.<sup>۶۳</sup>

۵۸ بنیاد برومند تا تنظیم این گزارش توانسته به آمار ۱۱۱ نفر از کشته‌شدگان دست یابد که برای ۹۴ نفر از قربانیان مستند سازی شده است.

۵۹ خبرگزاری حال‌وش، ۷ مهر ۱۴۰۲. <https://haalvsh.org/۲۹/۰۹/۲۰۲۳/>. گزارش تفصیلی ۵۵۰ صفحه ای از یافته های کمیته حقیقت یاب بین المللی مستقل در مورد جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲. <https://www.iranrights.org/fa/library/document۴۱۴۴/>

۶۰ خبرگزاری ایرنا، ۱۹ آذر ۱۴۰۱. [www.irna.ir/xjLbXj](http://www.irna.ir/xjLbXj)

۶۱ خبرگزاری ایرنا، ۱۸ آبان ۱۴۰۱. <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news۱۲۹۵۹۲۱>

۶۲ خبرگزاری حال‌وش، ۲ مهر ۱۴۰۲. <https://haalvsh.org/۲۴/۰۹/۲۰۲۳/>

۶۳ کانال تلگرام مولوی عبدالحمید، ۱۱ بهمن ۱۴۰۱. <https://t.me/molanaabdolhamid۵۵۷۲/>

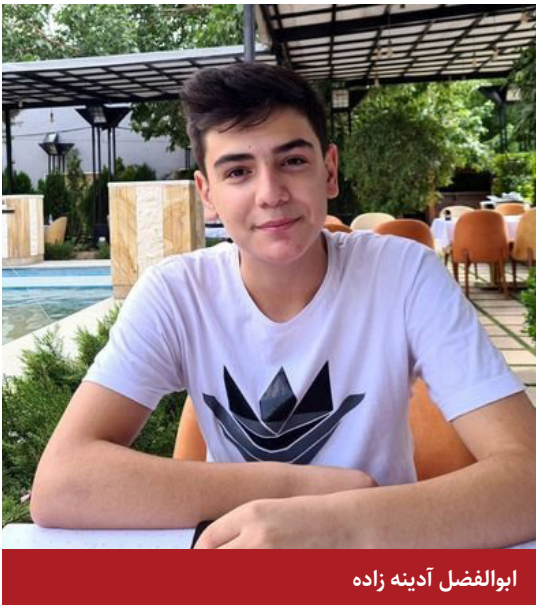


در پایان، کمیته با تحلیل روش‌ها و سلاح‌های به‌کاررفته در این واقعه، اعلام کرد که سرکوب در زاهدان به روشنی «تبعیض‌آمیز» بوده و از سایر نقاط کشور متمایز

## بخش سوم:

### پرونده‌هایی که مسئولیت قتل متوجه نیروهای حکومتی شد اما هویت قاتل مشخص نشد.

پرونده‌هایی که در این بخش از گزارش بررسی شده‌اند، قوه قضاییه ماموران امنیتی را مسئول قتل دانسته اما بدون شناسایی ضارب‌ان و محاکمه آنها، به خانواده قربانیان پیشنهاد پرداخت دیه کرده است و اغلب خانواده‌ها برای توقف پیگیری از جانب دستگاه امنیتی آزار دیدند و بازداشت شدند.



#### ۱- ابوالفضل آدینه‌زاده<sup>۶۷</sup>

ابوالفضل آدینه‌زاده، ۱۶ ساله بود که در تاریخ ۱۶ مهر ۱۴۰۱، در اعتراضات مردمی مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با شلیک اسلحه ساچمه‌ای نیروهای امنیتی کشته شد. خانواده آقای آدینه‌زاده به دلیل دادخواهی مرگ فرزندشان تحت فشار قرار گرفتند و بازداشت شدند. مقامات، وکیل خانواده را نیز محاکمه و محکوم کردند.

نیروهای امنیتی خانواده آقای آدینه‌زاده را وادار کردند تا پیکر فرزندشان را در آرامستان روستای نجف آباد در استان خراسان شمالی دفن کنند. ۶۸

خانواده آقای آدینه‌زاده در واکنش به قتل فرزندشان به دادگاه مشهد شکایت کردند.

۶۷ برای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به صفحه یادبود امید «ابوالفضل آدینه‌زاده» در وبسایت بنیاد برومند: <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/abolfazl-14961/>

۶۸ رادیو فردا، ۳۱ خرداد ۱۴۰۲. <https://www.radiofarda.com/a/html.۳۲۴۶۸۵۱۸/>



به گفته وکیل خانواده، خسرو علی‌کردی، در تاریخ‌های ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ و ۸ خرداد ۱۴۰۲، آقای علی آدینه‌زاده، خانم گل‌دسته حسینی و خانم مرضیه آدینه‌زاده - پدر، مادر و خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده - به دادرسی مشهود و فاروج احضار و به «تبلیغ علیه نظام» متهم شدند. هر سه آنها در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» از سوی ماموران امنیتی بازداشت و به زندان‌های جنورد و شیروان منتقل شدند. خانواده آقای آدینه‌زاده در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ با تودیع قرار وثیقه به طور موقت از زندان آزاد شدند.<sup>۶۹</sup>

۱۷ آبان ۱۴۰۲، علی‌کردی در مصاحبه‌ای با رسانه‌های خارج از ایران گفت پس از تحقیقات شعبه بازپرسی ۲۱۱ دادرسی مشهود، سازمان وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه خراسان در گزارشی به دادرسی اعلام کردند: ابوالفضل آدینه‌زاده توسط نیروهای یگان ویژه به قتل رسیده است. بازپرس شعبه ۲۱۱ با صدور رای عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه نظامی شهر مشهد ارسال کرد.<sup>۷۰</sup>

شعبه اول دادیاری دادرسی نظامی خراسان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۴۰۲، پس از صدور دستور منع تعقیب با «قرار موقوفی تعقیب»، اعلام کرد پرونده شکایت خانواده علیه نیروهای مسلح مختومه شده و توصیه کرد که خانواده دیه را از بیت‌المال بپذیرند. مادر ابوالفضل، در ۱۵ آبان ۱۴۰۲ تصویر این حکم را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت: چند روز قبل از ۲۵ شهریور ۱۴۰۲، آقای علی آدینه‌زاده، پدر ابوالفضل، با دریافت تماس تلفنی به دادرسی فاروج احضار شده است. ماموران امنیتی حاضر در دادرسی با تهدید آقای آدینه‌زاده به او گفته بودند: «اگر با نیروهای امنیتی همکاری کنی، پرونده پست حل می‌شود، وگرنه اجازه نمی‌دهیم پرونده پیش برود». آقای آدینه‌زاده با رد قاطع این درخواست، گفت: «ما هرگز با شما همکاری نمی‌کنیم، چون از زمان قتل پسرم دریای خونی بین ماست».

به گفته مادر ابوالفضل آدینه‌زاده، پیشتر به وکیل قبلی خانواده گفته شده بود که پرونده پیگیری نخواهد شد مگر اینکه خانواده آدینه‌زاده سکوت کنند.<sup>۷۱</sup>

خانواده آقای آدینه‌زاده با اعتراض به رای صادره، اعلام کردند حاضر به دریافت دیه نیستند و تنها خواسته‌شان شناسایی قاتل فرزندشان است. این خانواده بارها درخواست بازبینی تصاویر بیش از ۲۰ دوربین مداربسته موجود در منطقه را مطرح کرده بودند.

آقای علی آدینه‌زاده در تاریخ ۳ مرداد ۱۴۰۳ پس از احضار به شعبه اول بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب قوچان بازداشت و به زندان این شهر منتقل شد. او در یک تماس صوتی از داخل زندان در واکنش به بازداشتش گفت: «فکر کردید من و فرستادید زندان من میام سرخم کنم؟ نه!»

<sup>۷۲</sup> مادر ابوالفضل در واکنش به بازداشت همسرش با انتشار ویدئویی در صفحه دخترش گفت: «عوض این‌که قاتل بچهام را پیدا کنند، همسرم را بازداشت کردند.»<sup>۷۳</sup> آقای آدینه‌زاده در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۴۰۳ با تامین قرار وثیقه از زندان شهر قوچان آزاد شد.<sup>۷۴</sup>

آقای خسرو علی‌کردی، وکیل پرونده آقای آدینه‌زاده، ۲۲ آبان ۱۴۰۲ در دادگاه انقلاب مشهد به ریاست هادی منصوری، به اتهام «نشر اکاذیب از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و عدم حفظ اسرار» و «فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌های مخالف نظام» محاکمه و به یک سال حبس، دو سال اقامت اجباری در شهرستان نهبندان واقع در استان خراسان جنوبی، دو سال منع از وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی، محکوم شد. او در ۲۸ بهمن ۱۴۰۲، دوران محکومیت خود را در زندان وکیل‌آباد مشهد آغاز کرد.<sup>۷۵</sup>



حکم دادرسی نظامی استان خراسان شعبه ۱.  
ارسال شده در صفحه اینستاگرام مرضیه آدینه‌زاده آبان ماه ۱۴۰۲.

۶۹ رادیو فردا، ۳۱ خرداد ۱۴۰۲. <https://www.radiofarda.com/a/۳۲۴۶۸۵۱۸>

۷۰ رادیو فردا، ۱۷ آبان ۱۴۰۲. <https://www.radiofarda.com/a/iran-abolfazladinehzadeh>

۷۱ صفحه اینستاگرام مرضیه آدینه‌زاده، ۶ نوامبر ۲۰۲۳ (۱۵ آبان ۱۴۰۲)

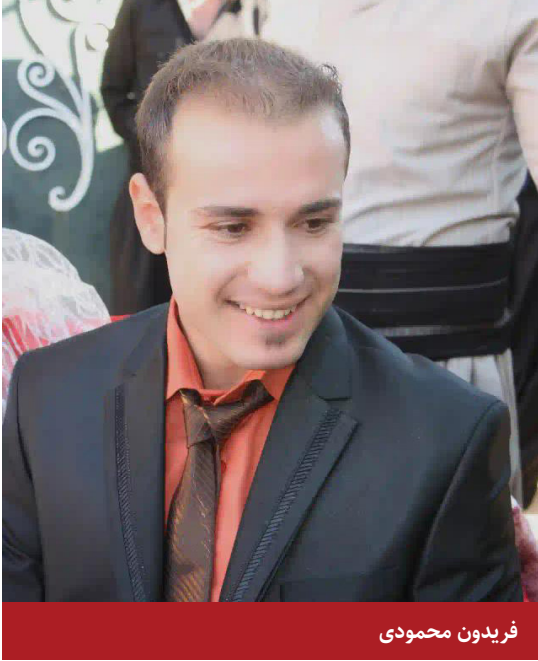
<https://www.instagram.com/p/CzUQOHfr6o5>

۷۲ صفحه توییتر مرضیه آدینه‌زاده، ۱۲ مرداد ۱۴۰۳. <https://x.com/marzieadinehzade/status/۱۸۱۹۳۶۶۰۵۸۳۹۱۷۰۳۶۸۳>

۷۳ رادیو فردا، ۱۰ مرداد ۱۴۰۳. <https://www.radiofarda.com/a/no-information-about-ali-adinehzadeh-after-arrest>

۷۴ خبرگزاری هرانا، ۱۹ شهریور ۱۴۰۳. <https://www.hra-news.org/?p=۴۸۰۹۶۱>

۷۵ رادیو فردا، ۲۷ بهمن ۱۴۰۲. <https://www.radiofarda.com/a/khosro-alikordi-iranian-lawyer-imprisoned>



فریدون محمودی

## ۲- فریدون محمودی

فریدون محمودی ۳۲ ساله بود که در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ در شهر سقز توسط ماموران یگان ویژه کشته شد. خانواده آقای محمودی به دلیل پیگیری شکایت دادخواهی تحت فشار دستگاه امنیتی قرار گرفتند تا با دریافت دیه از پیگیری شکایت‌شان منصرف شوند. در نتیجه این فشارها همسر آقای محمودی بدون گرفتن دیه پرونده قتل شوهرش را بست.

فریدون محمودی در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ به مناسبت سومین روز قتل مهسا (ژینا) امینی در شهر زادگاه او سقز، مقابل مسجد جامع مورد اصابت گلوله نیروهای یگان ویژه قرار گرفت و زخمی شد. او سپس مورد ضرب و جرح قرار گرفت و جاننش را از دست داد. پس از کشته شدن او، ماموران اداره آگاهی شهر سقز با پدر آقای محمودی تماس گرفته و از بازداشت او خبر دادند.

ماموران اداره آگاهی به مدت دو روز همسر و خانواده آقای محمودی را بی‌خبر گذاشته و چهار بار آنها را تحت بازجویی قرار دادند. سرانجام در بازجویی‌ها به دایمی فریدون محمودی گفتند که او به دست افراد ناشناس کشته شده است. آن‌ها همچنین از همسر آقای محمودی، خانم حبیبی، خواستند اجازه دفن توسط اداره آگاهی را بدهد اما خانم حبیبی با این درخواست مخالفت کرد. در نهایت به او خبر دادند پیکر فریدون محمودی برای خاکسپاری به آرامستان آچی منتقل شده است. بامداد ۳۰ شهریور ۱۴۰۲، همسر و چند تن از اعضای خانواده محمودی به آرامستان رفته و پیکر فریدون محمودی را حوالی پنج صبح با حضور دادستان و فرمانده سپاه سقز و نیروهای امنیتی و چند تن از اعضای نزدیک خانواده به خاک سپردند.

پس از فراخوانی که خانم حبیبی برای یادبود چهلمین روز فوت همسرش داده بود، زنی با زبان کُردی از طرف یک نهاد امنیتی با او تماس گرفت و ضمن تهدید، گفت: «فرزندت پدرش را از دست داده، نگذار مادرش را هم از دست بدهد.»

خانواده آقای محمودی در دادگاه سقز در رابطه با قتل فرزندشان شکایت کردند. دادستان سقز به خانم حبیبی پیشنهاد داد تا همسرش را به عنوان «شهید حکومتی» در بنیاد شهید ثبت کند و فرماندار سقز نیز به او پیشنهاد یک قطعه زمین داد. خانم حبیبی با این پیشنهادات مخالفت کرد. در نتیجه در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ به دادسرا احضار شد و به او پیشنهاد کردند دیه آقای محمودی را دریافت کند. خانم حبیبی ضمن رد پیشنهاد خواستار معرفی قاتل شد:

«بارها شکایت کردم. یعنی سه چهار بار شکایت روی شکایت انداختم روی پرونده. هر بار یک چیزی می‌گفتند و هر بار بهانه‌ای می‌آوردند تا اینکه در دادسرای نظامی به من گفتند ما یگان‌های ویژه را محکوم کردیم اگر می‌خواهی پرونده را ادامه دهیم و پیگیری کنیم که چه ماموری بوده، باید اول دیه بگیری....»

به گفته خانم حبیبی، شعبه اول دادسرای نظامی سقز و بانه در مقابل اصرار او برای شناسایی قاتل همسرش، گفتند: «آن روز اینقدر مامور در محوطه زیاد بود که اصلاً معلوم نیست. گفتم اسلحه‌ای که به هر ماموری می‌دهید شماره دارد و ثبت می‌کنید، گلوله‌ای که می‌دهید همین‌طور. گفتم همین الان هم می‌دانید چه کسی بوده، گفتند نه اصلاً معلوم نیست.»

**پیشنهاد دیه به پدر و مادر آقای محمودی هم داده شد. مادر آقای محمودی با انتشار یک ویدیو گفت: «خون پسرش فروختنی نیست.»**

در دادنامه‌ای که توسط سهراب شفاعی، رئیس شعبه اول دادرسی نظامی ناحیه سقز و بانه، صادر شده آمده است: «محرز است که آقای محمودی توسط ماموران یگان ویژه به قتل رسیده است» ولی به دلیل اینکه مشخص نیست ضارب کدام یک از ماموران بوده برای این پرونده، قرار منع تعقیب صادر شده و تنها رای به پرداخت دیه توسط «یگان فراجا» داده شد.<sup>۷۶ ۷۷</sup>

۷۶ رادیو زمانه، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲، <https://www.radiozamaneh.com/۷۶۲۰۰۷/>

۷۷ رادیو فردا، ۲۳ مرداد ۱۴۰۲، <https://www.radiofarda.com/a/iran-saqez-fereydoonmahmoudi.html.۳۲۵۴۷۰۶۶/>



مهدی ببرزاد

### ۳- مهدی ببرزاد ۷۸

مهدی ببرزاد ۲۲ ساله بود که در اعتراضات ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در شهر قوچان از پشت سر هدف گلوله کلاشینکف قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. دادگاه نظامی مشهد در پرونده قضایی رسیدگی به مرگ مهدی ببرزاد، ماموران امنیتی را مسئول قتل او دانست اما هیچ فردی به عنوان قاتل معرفی نشد و برادر او به دلیل دادخواهی بازداشت شد.

خانواده مهدی ببرزاد در رابطه با قتل فرزندشان به دادگاه خراسان رضوی شکایت کردند. رضا ببرزاد، برادر آقای مهدی ببرزاد، به دلیل دادخواهی قتل برادرش دو بار در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ و ۱۷ خرداد ۱۴۰۳ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از مدتی با تامین قرار ضمانت از زندان آزاد شد.

بر اساس تصویر دادنامه‌ای که در اختیار بنیاد برومند قرار دارد، شعبه اول دادگاه نظامی استان خراسان رضوی در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ با صدور رای قضایی، آقای ببرزاد را «اغتشاشگر» شناخت و اقداماتی مانند «حضور در صحنه»، «پرتاب سنگ»، «تحریک اغتشاشگران»، «فیلمبرداری» و همچنین «حضور در میدان در حین آتش‌سوزی کانکس انتظامی» توسط ببرزاد را شرایطی فرض کرد که در آن «به جز با بکارگیری سلاح، به گونه دیگری نمی‌توان آشوبگران را متفرق نمود» و بر اساس آن «تیراندازی ماموران انتظامی و بسیج و سپاه حاضر در صحنه را منطبق با قانون بکارگیری سلاح (بند ۴، ۲، ۸، ۷) دانست» و نیروهای نظامی را تبرئه کرد. اما تایید کرد که «ماموران در جهت کنترل اغتشاشات با استفاده از سلاح و به کمک نیروهای بسیج و سپاه که با هماهنگی قبلی در محل مستقر بودند آشوبگران را تعقیب و تعدادی را دستگیر کردند و در اثر تیراندازی آنان، تعدادی از اغتشاشگران از جمله مهدی ببرزاد فرزند صمد» کشته شده است.

دادگاه کشته شدن آقای ببرزاد توسط عوامل نظامی را تایید کرد اما با «مقصر» شناختن آقای ببرزاد، خانواده او را «مستحق دریافت دیه» ندانست.

با اعتراض خانواده آقای ببرزاد، پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه تجدیدنظر رفت. قاضی رضا چیتی فدان، رئیس شعبه یک دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی، با صدور رای نهایی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ با استناد به ماده ۱۳ قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری، و مفاد مستفاد از مواد ۴۷۹ و ۴۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فرماندهی انتظامی خراسان رضوی و سپاه امام رضا را به پرداخت ۳۰ درصد از کل دیه به شاک، آنهم به صورت ۲ قسط سالیانه، محکوم کرد. دادگاه در هیچ یک از مراحل رسیدگی تا صدور حکم مشخص نکرد که دقیقاً کدام مامور و از کدام نهاد مسئول مستقیم قتل آقای ببرزاد است. در رای نهایی دادگاه تجدیدنظر تنها اذعان شد که او «احتمالاً» از سوی «یکی از نیروهای مسلح حاضر در محل حادثه» وابسته به یکی از دو نهاد «نیروی انتظامی یا سپاه پاسداران» به قتل رسیده است.<sup>۷۹</sup>

۷۸ برای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به صفحه یادبود امید «مهدی ببرزاد» در وبسایت بنیاد برومند، <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/mehdi-babrnejad/۸۹۳۵/>  
۷۹ آرشیو اسناد بنیاد برومند



## ۴- امید مویدی



امید مویدی

امید مویدی ۲۰ ساله بود که در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۱ در بلوار معالی آباد شیراز هدف اسلحه ساچمه‌زنی نیروهای امنیتی قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان نمازی شیراز جان باخت. در پرونده دادخواهی آقای امید مویدی، دادسرای نظامی استان فارس قتل آقای مویدی توسط نیروهای امنیتی را «محمّل دانست» اما بدون شناسایی و محاکمه ضارب پیشنهاد پرداخت دیه به خانواده قربانی کرد.

خانواده آقای مویدی در دادگاه شیراز در رابطه با قتل فرزندشان از ماموران امنیتی و نظامی شیراز شکایت کردند.

محسن نوح پیشه، بازپرس شعبه چهارم بازپرسی دادسرای نظامی استان فارس، در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۴۰۱ با صدور یک رای اعلام کرد «هر چند این احتمال وجود دارد به هر دلیلی ماموران نظامی یا امنیتی اقدام به شلیک کرده باشند ولی به دلیل اینکه افراد غیرنظامی هم به تفنگ ساچمه‌زن مسلح بودند» امکان شناسایی قاتل وجود ندارد و با استناد به این دلیل برای نیروهای امنیتی رای منع تعقیب صادر کرد و به خانواده آقای مویدی پیشنهاد پرداخت دیه از بیت‌المال داد.<sup>۸۰</sup>

\*\*\*

در شانزده پرونده‌ای که در این گزارش بررسی شدند، اغلب خانواده‌های داغدار مورد تهدید، آزار و اذیت و پیگرد قانونی قرار گرفتند. در پنج مورد، خانواده‌ها یا وکلای آن‌ها پس از ثبت شکایت، بازداشت یا به زندان و شلاق محکوم شده‌اند. در چهار مورد، به خانواده‌ها پیشنهاد



علامت خیابان حجاب به بی حجاب تبدیل می شود  
تهران ۲۹ شهریور ۱۴۰۱.

پرداخت پول برای انصراف از شکایت داده شد. در چهار مورد دیگر، مقامات حکومتی مسئولیت اقدامات نیروهای مسلح را پذیرفتند، اما عاملان قتل را شناسایی نکردند و تنها به پرداخت دیه به خانواده‌ها بسنده کردند. در چهار مورد نیز شکایت‌ها به مرحله دادرسی نرسیدند و روشن نیست که اساساً تحقیقاتی صورت گرفت یا نه. در یک مورد (کیان پیرفلک)، مسئولیت قتل او به معترضان نسبت داده شد.

در دو مورد، شکایات منجر به صدور احکام محکومیت شد. پنج نفر از اعضای نیروهای مسلح به‌عنوان عاملان قتل دو معترض شناسایی، بازداشت و محاکمه شدند. در جریان محاکمه دو نفر از آن‌ها به اعدام و سه نفر دیگر به زندان محکوم شدند. دادگاه‌ها پشت درهای بسته برگزار شدند و از شفافیت لازم برخوردار نبودند. احکام صادره مطابق با ماده ۱۴ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شکل عمومی منتشر نشدند<sup>۸۱</sup> و تنها جزئیات محدودی از سوی خانواده‌های قربانیان و وکلای آن‌ها در رسانه‌های داخلی منتشر شدند. این پرونده‌ها، که همچنان در انتظار رأی نهایی دیوان عالی کشور هستند، ممکن است پاسخی از سوی ایران به فشارهای فزاینده بین‌المللی علیه خشونت دولتی در جریان اعتراضات سال ۲۰۲۲ و تشکیل هیئت حقیقت‌یاب بین‌المللی (FFMI) باشد.

این شانزده پرونده دادخواهی نقش مهمی در اثبات نقش نیروهای مسلح دولتی در مرگ معترضان داشته است و نتایج حاصل کرده اند که در مغایرت کامل با روایت‌های رسمی و نتایج تحقیقات کمیته ویژه حکومتی است. چرا که تحقیقات حکومتی مرگ معترضان را تنها به «تروریست‌های مسلح» نسبت داده بود و هیچ‌گونه مسئولیتی نسبت به نیروهای مسلح مستقر در خیابان‌ها قائل نبود.

۸۰ آرشیو اسناد بنیاد برومند

۸۱ ماده ۱۴ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) تصریح می‌کند که: «هر حکمی که در یک پرونده کیفری یا دعوی حقوقی صادر شود باید علنی شود، مگر در مواردی که منافع افراد نابالغ ایجاب کند یا رسیدگی به اختلافات زناشویی یا سرپرستی کودکان مربوط باشد.»

## نتیجه‌گیری

با گذشت دو سال از اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، هنوز برای قربانیان راهی طولانی تا رسیدن به عدالت باقی مانده است. از آنجایی که بازماندگان و خانواده‌های قربانیان اعتماد خود را نسبت به سیستم قضایی از دست داده‌اند و جست‌وجوی عدالت از مسیرهای رسمی را ناکارآمد و پرمخاطره می‌دانند، اغلب آنها به دنبال عدالت نرفته‌اند.

در موارد اندکی که بازماندگان اقدام به شکایت حقوقی کردند؛ مقامات جمهوری اسلامی نیز در مقابل تلاش کردند آنها را از ادامه کار



دختران مدرسه ای در تهران ۱۰ مهر ۱۴۰۱

منصرف کنند. در پاسخ به اصرار این خانواده‌ها، مسئولان از روش‌های مختلفی از جمله تهدید، پیشنهاد دیه، طولانی کردن روند قضایی و اعمال فشار با اتهام‌زنی‌های امنیتی استفاده کردند. افزون بر این، مسئولین حکومتی خود نیز از انجام تحقیقات مستقل، بی‌طرف و شفاف خودداری کردند و با پنهان کردن شواهد و جلوگیری از افشای حقیقت، افرادی که دستور کشتار و سرکوب معترضان را صادر کرده‌اند، مصون نگه داشتند.

حتی در دو پرونده‌ای که ماموران دولتی به دلیل استفاده غیرقانونی از قدرت تحت پیگرد قرار گرفتند نیز باید یادآور شد که بدون راستی‌آزمایی مستقل حقایق، افشای عمومی آن، دلجویی و پذیرش مسئولیت نمی‌توان تضمین کرد که چنین مواردی بار دیگر تکرار نخواهند شد و راه حل موثری برای قربانیان نیست. اعمال مجازات اعدام نیز برخلاف استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی است. در حقیقت، جمهوری اسلامی نه دسترسی برابر و مؤثر به عدالت و جبران خسارت را برای همه قربانیان مهیا کرده و نه تغییراتی در قوانین و رویه‌ها ایجاد کرده تا از این قبیل قتل‌های غیرقانونی جلوگیری کند.<sup>۸۲</sup>

با این حال، همین اقدامات حقوقی توانست به افشای برخی از حقایق کمک کند. اطلاعاتی که نه تنها با نتایج تحقیقات دولت ایران در تضاد است بلکه یافته‌های هیئت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل (FFMI)، که رژیم ایران آن را بی‌اعتبار و فاقد مشروعیت می‌داند را نیز تأیید می‌کند.

حق حیات و محافظت در برابر محرومیت خودسرانه از زندگی، یک حق اساسی انسانی است و به‌طور جهانی پذیرفته‌شده است. تحقیقات در مورد مرگ‌های ناعادلانه بخشی ضروری از حفاظت از حق حیات است. این مسئولیت به اجرای تعهدات مربوط به احترام و محافظت از حق حیات، تضمین پاسخگویی و ارائه جبران خسارت در مواردی که این حق نقض شده است، کمک می‌کند. عدم انجام وظیفه تحقیق درباره این مرگ‌ها، خود نقض حق حیات محسوب می‌شود.<sup>۸۳</sup> تحقیقات قضایی و تحقق محاکمات برای جلوگیری از نقض‌های بیشتر، ترویج پاسخگویی، حمایت از عدالت و تضمین حقوق قربانیان در آگاهی از حقیقت و جبران خسارت ضروری است.

سازوکار سیاسی و قضایی جمهوری اسلامی و نهادهایی مانند شورای نگهبان، دادگاه‌های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حفظ قدرت در دست رهبری غیر منتخب و غیر پاسخگو طراحی شده‌اند. هدف این نهادها حفظ حکومت دینی و سرکوب مخالفان است. نبود استقلال و شفافیت در قوه قضاییه منجر به مصونیت قاعده‌مند برای افرادی شده که دستور و اجرای این جنایات را بر عهده داشته‌اند.<sup>۸۴</sup>

<sup>۸۲</sup> «حق برخورداری از جبران خسارت و ترمیم در موارد نقض فاحش حقوق بشر: راهنمای عملی»، کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، ۲۰۱۸، <https://www.icj.org/wp-content/uploads/2018/11/Universal-Right-to-a-Remedy-Publications-Reports-Practitioners-Guides-2018-ENG.pdf>

خسارت و ترمیم برای قربانیان نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر و نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/basic-principles-and-guidelines-right-remedy-and-reparation>

<sup>۸۳</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶: حق حیات، کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۳۶، ۳ سپتامبر ۲۰۱۹، [https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/CCPR/GCArticle6/GCArticle6\\_EN.pdf](https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/CCPR/GCArticle6/GCArticle6_EN.pdf)

<sup>۸۴</sup> شیوه‌انتصاب قضات در ایران زمینه ساز بی عدالتی در نظام قضایی، ۲۴ آذر ۱۳۹۴، <https://www.iranrights.org/fa/newsletter/issue/69>

گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران که در تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲ منتشر شده است، موانع ساختاری قابل توجهی را در مسیر پاسخگویی برجسته کرده است. در این گزارش آمده:

«اگرچه قانون اساسی، قوه قضائیه را به‌عنوان یک شاخه مستقل تعیین کرده است، اما در عمل، این قوه تحت کنترل رهبر معظم قرار دارد، زیرا تمام قدرت‌های دولتی تحت اختیار او عمل می‌کنند. رئیس قوه قضائیه، که توسط رهبر معظم منصوب می‌شود، اختیار انتخاب تمام قضات را دارد. معیارهای ایدئولوژیک سخت‌گیرانه باعث می‌شوند قضات با ایدئولوژی حکومتی همسو شوند و صدهای مخالف و زنان از سیستم حذف شوند.

دادگاه‌های انقلاب، که در ابتدا پس از انقلاب ۱۳۵۷ برای رسیدگی به پرونده‌های مخالفان سیاسی تأسیس شدند، همچنان خارج از مرزهای قانون اساسی فعالیت می‌کنند. این دادگاه‌ها جلسات دادرسی را پشت درهای بسته برای فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، و مدافعان حقوق بشر برگزار می‌کنند و احکام آن‌ها اغلب تحت تأثیر نهادهای اطلاعاتی است»<sup>۸۵</sup>

این گزارش تأکید کرده است که نظام حکمرانی ایران «شهروندان را با حداقل حفاظت در برابر قدرت حکومت مانند سوءاستفاده‌های نهادهای امنیتی و اطلاعاتی» رها کرده است.

استانداردهای بین‌المللی ایجاب می‌کنند که انتخاب اعضای نهادهای تحقیقاتی دولتی، مانند کمیته‌های تحقیقی که پس از اعتراضات در ایران ایجاد شد، بر اساس شهرت به بی‌طرفی، شایستگی و صداقت شخصی باشد. برای تضمین امنیت شاهدان و شاکیان، اعضا باید از هر نهاد، سازمان یا فردی که در تحقیقات دخیل است، مستقل باشند.<sup>۸۶</sup>

کمیته ویژه‌ای که توسط رئیس‌جمهور وقت، رئیسی، تشکیل شد و پلیس اخلاقی و سایر نیروهای امنیتی را از مسئولیت مرگ مهسا (ژینا) امینی و کشتار معترضان مبرا کرد، فاقد استقلال و شفافیت لازم برای انجام یک تحقیق بی‌طرفانه بود. گزارش این کمیته به‌صورت عمومی منتشر نشد و فعالیت‌های آن تحت نظارت یا ارزیابی عمومی قرار نگرفت. افزون بر این، با جلوگیری از دسترسی شاکیان به فیلم‌های دوربین‌های مداربسته که می‌توانست عاملان یا نیروهای حاضر در صحنه قتل معترضان را شناسایی کند، این کمیته حقیقت را پنهان کرد و قربانیان را از حق دانستن آنچه برای عزیزانشان رخ داده است، محروم کرد.

کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل (FFMI) در گزارش مارس ۲۰۲۴ خود اظهار کرد:

«مکانیزم‌ها و رویه‌های تحقیق درباره مرگ‌های احتمالی غیرقانونی، شکنجه، تجاوز و بدرفتاری یا وجود ندارند و یا با قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر سازگار نیستند. این هیئت هیچ مدرکی دال بر وجود مکانیزم‌های رسمی اداری یا قانونی برای پاسخگویی در میان نیروهای امنیتی یا اطلاعاتی، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج و فراجا پیدا نکرد. در حالی که مقامات ایرانی چندین تحقیق را اعلام کرده‌اند، کمیته دریافت که این تحقیقات با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر که برای تحقیقات داخلی قابل اجرا هستند، مطابقت ندارند»<sup>۸۷</sup>

«مکانیزم‌ها و رویه‌های تحقیق درباره مرگ‌های احتمالی غیرقانونی، شکنجه، تجاوز و بدرفتاری یا وجود ندارند و یا با قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر سازگار نیستند. این هیئت هیچ مدرکی دال بر وجود مکانیزم‌های رسمی اداری یا قانونی برای پاسخگویی در میان نیروهای امنیتی یا اطلاعاتی، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج و فراجا پیدا نکرد. در حالی که مقامات ایرانی چندین تحقیق را اعلام کرده‌اند، کمیته دریافت که این تحقیقات با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر که برای تحقیقات داخلی قابل اجرا هستند، مطابقت ندارند»

۸۵ گزارش گزارشگر ویژه درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، جاوید رحمان، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲ (۲۳ دی ۱۴۰۰). <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/005/44/pdf/g2200544.pdf?g2200544.pdf>

۸۶ ماده ۱۱ «اصول پیشگیری و تحقیق مؤثر در اعدام‌های فراقضایی، خودسرانه و فوری» که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تصویب شده است.

۸۷ یافته‌های تفصیلی هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل درباره جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۴۵۱، هیأت حقیقت‌یاب مستقل درباره جمهوری اسلامی ایران، سازمان ملل متحد، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲



افزون بر این، FFMI هیچ شواهدی از وجود جبران خسارت‌های داخلی مؤثر برای قربانیان نقض حقوق بشر نیافت و نتیجه‌گیری کرد که مقامات به عمد و به طور روشمند تمام تلاش‌های قربانیان و خانواده‌هایشان را برای کشف حقیقت و پیگیری عدالت مسدود کرده‌اند.

پنهان‌کاری و پاسخگویی نبودن مقامات حکومتی در تحقیقات رسمی در اعتراضات گذشته نیز مشاهده شده است. برای مثال نتیجه تحقیقات شورای عالی امنیت ملی پس از حمله به خوابگاه دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸، منتشر شد اما آمران و عاملان این حمله در نهایت مجازات نشدند و شورا در چند مورد ادامه تحقیقات را به وزارت اطلاعات محول کرد.<sup>۸۸</sup> به طور مشابه، پس از اعتراضات آبان ۱۳۹۸، حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت، دستور تشکیل هیئتی برای «بررسی نحوه جبران خسارات شهروندانی که در حوادث هفته پایانی آبان ماه دچار آسیب شده‌اند» را داد.<sup>۸۹</sup> وزرای کشور، دادگستری و معاون حقوقی رئیس‌جمهور اعضای این هیئت بودند که استقلال لازم و شفافیت در عمل و تحقیقات را نداشتند.

قربانیان اعتراضات و خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات گذشته نیز برای شکایت حقوقی تلاش‌هایی کردند. برای مثال در اعتراضات ۱۳۸۸، کشته شدن چهار دانشجو در بازداشتگاه مخوف کهریزک منجر به تعطیلی این مرکز شد.<sup>۹۰</sup> تعطیلی این مرکز و محکوم شدن دادستان وقت تهران، به دو سال زندان و محکومیت معاون او به ۱۵ سال زندان،<sup>۹۱</sup> نتیجه تلاش‌های بی‌وقفه پدر محسن روح‌الامینی،<sup>۹۲</sup> یکی از چهره‌های با نفوذ جمهوری اسلامی و فشارهای بین‌المللی بود. در نهایت، پس از هشت سال، دادستانی که دانشجویان را به کهریزک فرستاده بود محکوم به دو سال زندان شد. در پرونده پیگیری قتل یکی از معترضان در اعتراضات ۱۸ تیر ۱۳۷۸، نه تنها افراد مسئولان شناسایی نشدند، بلکه مقتول پس از مرگ محکوم به اقدام علیه امنیت ملی<sup>۹۳</sup> شد. شکایت دانشجویانی که در حمله نیروهای امنیتی به خوابگاه دانشگاه تهران مصدوم شدند نیز در نهایت منجر به تبرئه فرمانده و کارکنان نیروی انتظامی شده و تنها یک سرباز به دزدیدن ریش تراش برقی محکوم شد.<sup>۹۴</sup>

در چنین شرایطی، جامعه بین‌المللی باید از حقوق قربانیان حمایت کرده و مسیرهایی برای اجرای عدالت و جبران خسارت را در خارج از ایران فراهم کند. افزون بر این، مطابق با توصیه‌های هیئت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل، جامعه بین‌المللی باید پیامی روشن به مقامات ایرانی ارسال کند که دوران چشم‌پوشی بین‌المللی از سرکوب معترضان به پایان رسیده است.

هیئت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل توصیه‌هایی درباره عدالت، جبران خسارت و حمایت از قربانیان به کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادها ارائه کرده است. این توصیه‌ها با تکیه بر تداوم نظارت و افزایش همکاری‌های بین‌المللی به منظور پاسخگو کردن مقامات ایرانی تأکید دارد:

■ «نخست، کشورهای عضو باید به تسریع در رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی قربانیان اعتراضات توجه کنند و همچنین بودجه لازم برای برنامه‌های حمایت روانی از قربانیان جرایم جنسیتی و معترضان مجروح را تأمین کنند. همچنین، حفاظت از اتباع ایرانی در خارج از کشور که در معرض خطر انتقام‌جویی هستند، باید در اولویت قرار گیرد و سازوکارهایی برای پاسخگویی ایجاد شود. بررسی روش‌های جبران خسارت به قربانیان نیز امری ضروری است.»

■ «دوم، در زمینه پاسخگویی قانونی و مقابله با مصونیت، لازم است اصل صلاحیت جهانی برای رسیدگی به جرایم سنگین مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، شکنجه و ناپدید شدن اجباری اعمال شود. جلوگیری از اعمال مصونیت «ratione materiae»<sup>۹۵</sup> در مورد این جرایم و ایجاد صندوق جبران خسارت برای قربانیان به منظور تأمین خسارت نیز باید مدنظر قرار گیرد. همچنین، رعایت حقوق قربانیان در مراحل مختلف دادرسی، از جمله حق حفاظت، جبران و رسیدگی، اهمیت بالایی دارد.»

۸۸ بنیاد برومند، بازخوانی وقایع ۱۸ تیر ۷۸ به روایت شورای عالی امنیت ملی. <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3916>

۸۹ پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ایران، ۱۲ آذر ۱۳۹۸. <https://president.ir/fa/112642>

۹۰ کیفرخواست متهمان شکنجه و قتل در بازداشتگاه کهریزک <https://www.iranrights.org/fa/library/document/2047/kahrizak-indictment>

۹۱ شبکه شرق، کهریزک تعطیل شده است، ۱ خرداد ۱۳۹۷. <https://www.sharghdaily.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B3%D8%AA/3/738038-%D8%B4%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>

۹۲ سرگذشت «محسن روح‌الامینی» در یادبود امید بنیاد برومند <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/61802/mohsen-ruholamini>

۹۳ یادبود امید عزت‌الله ابراهیم نژاد. <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/5108/ezzatollah-ebrahimnejad>

۹۴ ایران ۱۳۷۸: حمله به دانشگاه ها. <https://www.iranrights.org/fa/library/document/617/iran-1999-universities-under-attack-a-witness-testimony%DA%A9>

۹۵ اصطلاح "ratione materiae" یک اصطلاح حقوقی لاتین است که به «صلاحیت موضوعی» اشاره دارد. این اصطلاح به توانایی و اختیار یک دادگاه یا مرجع قضایی برای بررسی و صدور حکم در یک پرونده خاص بر اساس ماهیت موضوع مربوطه اشاره می‌کند.

Ratione materiae به این موضوع می‌پردازد که آیا یک دادگاه یا نهاد قانونی صلاحیت رسیدگی به مسائل خاصی مانند حقوق کیفری، حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل یا نقض حقوق بشر را دارد یا خیر.

یکی از بحث‌های اصلی در مناظره کنونی پیرامون مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت قضایی خارجی، مسئله دسترسی به مصونیت موضوعی (immunity ratione materiae) برای جرایم بین‌المللی است. مصونیت موضوعی فرد را برای اعمال رسمی که به نمایندگی از دولت خود انجام داده، محافظت می‌کند. با این حال، جرایم در حقوق بین‌الملل به دلیل شدت و تأثیر گسترده آن‌ها، اغلب در یک زمینه رسمی صورت می‌گیرند، به عبارت دیگر، با مجوز صریح یا ضمنی دولت انجام می‌شوند. این موضوع به نوبه خود نشان می‌دهد که یک مقام دولتی که این جرایم را مرتکب شده است، از مصونیت موضوعی برخوردار خواهد بود، مگر در شرایط نادری که جرمی به طور کامل در ظرفیت شخصی و خصوصی انجام شده باشد. این فرضیه با این حال، از زمان پرونده پینوشه در بریتانیا، که در آن مجلس اعیان (House of Lords) حکم داد که رهبر سابق شیلی از مصونیت موضوعی برای جرم شکنجه برخوردار نیست، به شدت مورد چالش قرار گرفته است.

■ «سوم، در زمینه تعامل بین‌المللی، کشورهایی که عضو کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی (ICERD) هستند، باید وارد مذاکره با ایران شوند تا اطمینان حاصل کنند که این کشور به تعهدات خود پایبند است. بررسی عضویت در کنوانسیون لیوبلیانا-لاسه و ارتقاء همکاری‌های حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه از طریق تشکیل تیم‌های تحقیقاتی مشترک با همکاری اتحادیه اروپا، نیز ضرورت دارد.»


■ «در نهایت، شورای حقوق بشر سازمان ملل باید همچنان بر وضعیت حقوق بشر در ایران متمرکز باشد، به‌ویژه پس از گزارش هیئت حقیقت‌یاب. سازوکارهای حقوق بشری مانند رویه‌های ویژه و نهادهای معاهداتی باید اطمینان حاصل کنند که یافته‌های [کمیته تحقیق] پیگیری و اجرا می‌شوند.»<sup>۹۶</sup>

نامیدی عمومی از جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر زمینه‌ساز اعتراضات گسترده‌ای شده است. اعتراضاتی که هر بار با خشونت بیشتری سرکوب می‌شوند. واکنش جمهوری اسلامی در مقابله با اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» و رفتار آن با قربانیانی که جسارت پیگیری و مطالبه حقوق خود را دارند، نشان دهنده اوج بی‌اعتنایی به حقوق و جان شهروندان است. به دلیل بسته بودن مسیر اصلاحات، ایرانیان چاره‌ای جز اعتراض خیابانی برای مطالبات خود برای تغییر ندارند. از این رو، وقوع اعتراضات بیشتر و مرگبارتر شدن سرکوب آن دور از انتظار نیست.

باید توجه شود که این چارچوب‌های حقوقی داخل کشور است که به مصونیت از مجازات، عدم پاسخگویی و تضعیف حاکمیت قانون دامن زده است. در چنین شرایطی، جامعه بین‌المللی باید با معطوف نگه داشتن توجه خود، مقامات جمهوری اسلامی را در برداشتن گام‌های موثر در رفع موانع ساختاری و ایجاد مشارکت سیاسی تحت فشار قرار داده تا آن زمان و بر لزوم همکاری با کمیته حقیقت‌یاب به منظور تحقق عدالت و جبران خسارت در خارج از کشور تاکید کنند. برای شکسته شدن چرخه خشونت، جامعه بین‌المللی باید پیامی قاطع به مقامات ایرانی ارسال کند. پیامی مبنی بر اینکه: مصونیت در برابر سرکوب معترضان دیگر تحمل نخواهد شد.







«کجای قانون شما نوشته  
است که مادر مقتول را به  
جرم دادخواهی خون  
فرزندش زندانی کنید و قاتل  
آزادانه در خیابان بچرخد.»

